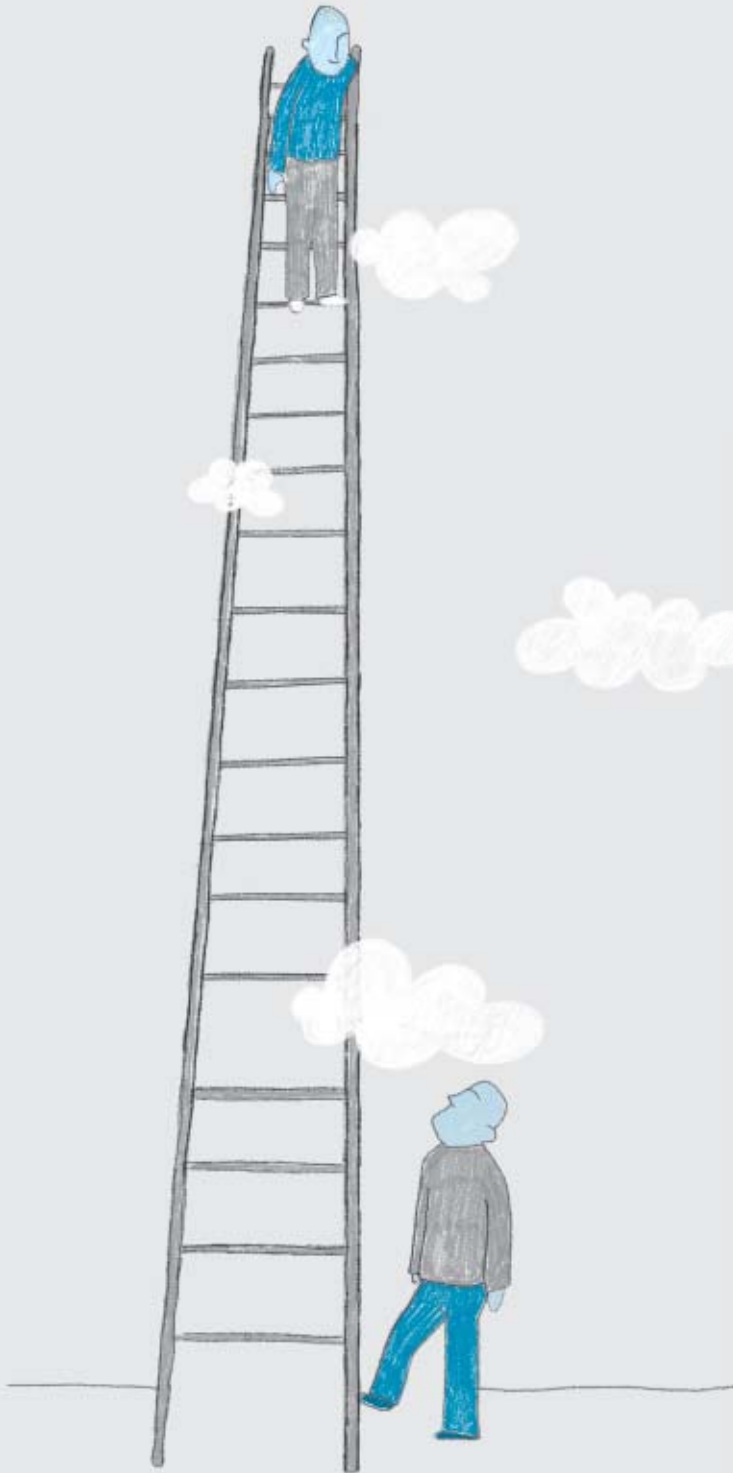


عربی دوازدهم



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ الدِّينُ وَالتَّوْبَةُ

یادآوری قبلاً با هم یاد گرفتیم که افعال ناقصه عبارت بودند از: «کان، صار، أصبح، لیس» این فعل‌ها با جمله اسمیه همراه می‌شدند و به جای فاعل و مفعول، اسم و خبر داشتند.

لیس المجذَّ كسولاً: تلاشگر، تنبل نیست!

فعل اسم فعل ناقصه
فعل اسم فعل ناقصه

- ◀ اسم افعال ناقصه غالباً با علامت‌های «**مُـ**، **يُنـ**، **وَنـ**» می‌آید!
- ◀ خبر افعال ناقصه غالباً با علامت‌های «**مُـ**، **يُنـ**، **يَنـ**» می‌آید!
- ◀ اسم افعال ناقصه ممکن است به صورت اسم ظاهر و یا شناسه بیاید!
- ◀ خبر افعال ناقصه ممکن است به صورت اسم ظاهر، فعل و یا جار و مجرور بیاید!

ترجمة افعال ناقصه

کان: } بود
 } است
 } ی‌کون: می‌باشد
 } کن: باش

- ◀ کان + (قد): ماضی بعید
- ◀ کان + مضارع: ماضی استمراری
- ◀ «صار»، «أصبح»: شد، گردید / «تصیر»، «يُصبِحُ»: می‌شود، می‌گردد
- ◀ «لَيْسَ»: نیست (لَيْسَ + «عند» یا «إِـ» + اسم: مفهوم نداشتن در زمان حال)

حروف مشبّهة بالفعل

به حروف «إِنّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكُنّ، لَيْتَ، لَعَلّ» در دستور زبان عربی «حروف مشبّهة بالفعل» می‌گویند. هر کدام از این حروف با جمله اسمیه همراه می‌شوند و تأثیر و معنای به‌خصوص خود را دارند:

- ۱) «إِنّ»: در جملاتی که نیاز به تأکید دارند به معنای «قطعاً همانا، بی‌شک، بی‌تردید» و در برخی جملات صرفاً تکیه کلام ابتدای جمله است و ترجمه نمی‌شود: **إِنَّ اللَّهَ رَحِيمٌ** عیاده: بی‌شک خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.
- ۲) «أَنْ»: این کلمه رابط بین دو قسمت از عبارت است و معنای «که» می‌دهد: **اعلموا أَنْ طلبَ العلمِ فريضةٌ!** بدانید که دانش‌اندوزی، واجب دینی است!

قرائت «ان»:

اگر علامت «ان» را نگذارند، می‌تواند «إِنّ» و «أَنْ» از حروف مشبّهة بالفعل، «إِنّ» شرطیه و یا «أَنْ» ناصبه باشد. دقت کنید که «إِنّ» در ابتدای عبارت‌ها می‌آید و بعدش حتماً اسم می‌بینید، «أَنْ» وسط عبارت می‌آید و بعدش حتماً اسم هست، بعد از «إِنّ» شرطیه فعل شرط و جواب شرط می‌آید و بعد از «أَنْ» ناصبه فعل مضارع خواهد آمد:

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنَا أَنْ لَا نَخْلِفَ الْمِعَادَ فَإِنْ لَمْ نَفْعَلْ هَكَذَا نَخْسِرُ فَلَا شَكَّ أَنْ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ!

قطعاً خداوند به ما دستور داده است که خلف وعده نکنیم؛ پس اگر این چنین نکنیم، زبان می‌بینیم، شکی نیست که خداوند به درون سینه‌ها آگاه است!

نست عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ قِرَاءَةِ «أَنْ» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

«ان تزرعي العدوان تحصدي الخسران فعليك ان لا تتعودي على البغض فانه يوقعك في الطريق غير الصواب!»

(۱) إِنْ - أَنْ - إِنْ (۲) إِنْ - أَنْ - إِنْ (۳) أَنْ - إِنْ - أَنْ (۴) أَنْ - إِنْ - إِنْ

پاسخ گزینه «۲» بعد از «ان» ابتدای جمله فعل شرط و جواب شرط (تزرعي، تحصدي) آمده، پس «إِنّ» شرطیه داریم، بعد از «ان» دومی، فعل مضارع منصوب داریم، پس «أَنْ» ناصبه داریم. بعد از «ف» هم غالباً «إِنّ» می‌آید و «فإِنَّ» به معنای «زیرا» است.

۳) «كَأَنَّ»: این کلمه به معنای «گویایی» و «مانند» است و معمولاً برای تشبیه به کار می‌رود:

كَأَنَّ جنودنا بنیان مرصوص! **گویا** سربازانمان، بنایی محکم‌اند. (سربازانمان مانند بنایی محکم‌اند.)

رَتَّلَكَ «كَأَنَّ» و «كَانَ» را با هم اشتباه نگیرید!



- ۴ «لَكَنَّ»: این کلمه برای کامل کردن پیام به کار می‌رود و غالباً ابهام جمله قبل از خودش را رفع می‌کند و معنای «ولی، اما» می‌دهد: باب التوبة مفتوح علی الجميع ولکنَّ الناس أكثرهم غافلون! در توبه به روی همه باز است، اما بیشتر مردم غافل‌اند!
- ۵ «لَيْتَ»: این کلمه برای بیان آرزو و غالباً برای بیان حسرت به کار می‌رود و معنای «کاش» می‌دهد. این کلمه را به صورت «یا لَيْتَ» هم می‌بینید: لیت آبی رجع من السفر! کاش پدرم از سفر برمی‌گشت. (برگشته بود).
- رَتَكَر فعل ماضی را بعد از «لیت» به شکل ماضی (استمراری و بعید) و فعل مضارع را بعد از «لیت» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم: لیت التلمیذ قرأ دروسه بدقّة! کاش دانش‌آموز درس‌هایش را به دقّت می‌خواند. (خواننده بود).
- لیت بلادی تنقّذم بسرعة! کاش کشورم به سرعت پیشرفت کند.
- رَتَكَر «لَيْتَ» را با «لَيْسَ» اشتباه نگیرید.
- ۶ «لَعَلَّ»: این کلمه هم برای بیان آرزو به کار می‌رود و معنای شک و تردید هم دارد و در عبارتها به صورت «شاید، امید است که، باشد که» ترجمه می‌شود: لعَلَّ الله یغفر لنا ذنوبنا! امید است که خداوند گناهمان را ببامرزدا!
- همان‌طور که دیدید فعل مضارع را بعد از «لَعَلَّ» به صورت التزامی ترجمه می‌کنیم.

نکته عَيْن ما لیس فیہ من الحروف المشبّهة بالفعل:

(۱) لیت المسلمین یتحدون أمام أعداءهم!
 (۲) أ لیس الله أحکم الحاکمین؟!
 (۳) تَعَلَّمُوا العریبة فأنها لغة حیة عالمیة!
 (۴) ذهبت إلى الحفلة ولکنني ما كنت فرحاً!

پاسخ گزینه «۲» «لیس» جزء افعال ناقصه است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «لیت، إن، لکن» از حروف مشبّهة بالفعل‌اند.

نکته عَيْن ما لیس فیہ فعل یدلّ علی الاستمرار:

(۱) ﴿فهذا يوم البعث ولکنکم کنتم لا تعلمون﴾
 (۲) لیتني فعلت واجباتي التي فَرَضت عليّ!
 (۳) توبوا إلى ربّ العالمین لعَلکم ترحمون!
 (۴) کان الإيرانيون یتعایشون سلمیاً بعد ظهور الإسلام!

پاسخ گزینه «۳» فعل مضارع بعد از «لَعَلَّ» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود: «شاید که مورد رحمت قرار بگیرید.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «کنتم لا تعلمون: نمی‌دانستید» (کان + مضارع: ماضی استمراری)
 گزینه (۲): «لیتني فعلت: کاش من انجام می‌دادم» (لیت + ماضی: ماضی استمراری)
 گزینه (۴): «کان ... یتعایشون: همزیستی می‌کردند» (کان + مضارع: ماضی استمراری)

ریزه‌کاری‌های حروف مشبّهة بالفعل

- ۱ حروف مشبّهة بالفعل، مثل افعال ناقصه اسم و خبر دارند، با این تفاوت که اسمشان غالباً با علامت‌های «ت، ث، ی، ین» و خبرشان غالباً با علامت‌های «ت، ث، ان، ون» می‌آید.
- ۲ اسم حروف مشبّهة بالفعل به صورت اسم ظاهر یا ضمیر متصل به آن‌ها می‌آید:
- إنَّ الإنسانَ خُلِقَ ضعيفاً! اسم حرف مشبّهة بالفعل (از نوع اسم ظاهر)
 کأنَّکَ متردّد فی أخذ القرار! اسم حرف مشبّهة بالفعل (از نوع ضمیر متصل)
- ۳ خبر حروف مشبّهة بالفعل، مانند خبر جمله اسمیّه به سه صورت «مفرد (اسم)، جمله فعلیّه و جار و مجرور (شبه‌جمله)» می‌آید:
- إنَّ المَاءَ مَادَّةٌ بدائیةٌ للحیة! اسم حرف مشبّهة بالفعل (از نوع مفرد) لیت صدیقی صَبَرَ علی المشاكل! اسم حرف مشبّهة بالفعل (از نوع جمله فعلیّه) کأنَّ المَعْلَمَ فی الصَّفِّ! اسم حرف مشبّهة بالفعل (از نوع جار و مجرور)

نکته عَيْن الصّحیح عن العبارات التالیة (حسب المحلّ الإعرابی):

(۱) التلامیذ حضروا فی الصّف ولکنهم محزونون! اسم لـ «لکن»
 (۲) فی صَفِّنا تلمیذٌ مشاغِب یضُرّ الزملاء بسلوکة! خبر
 (۳) لا تنسوا أن علماً لم یقترن بالعمل مذمومٌ! خبر لـ «أن»

پاسخ گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «محزونون» خبر «لکن» است.
 گزینه (۲): «تلمیذ» مبتدایی است که دیرتر از خبر آمده، یعنی مبتدای مؤخر!
 گزینه (۴): افعال ناقصه، فاعل ندارند. «المدرّس» اسم فعل ناقصه «کان» است.

جدول زیر مبحث حروف مشبّهة بالفعل را برایتان دوره می‌کند:

حروف مشبّهة بالفعل	تأثیر بر جمله از نظر ظاهری	ترجمه و توضیح
أَنَّ	همگی: مبتدا ← اسم حروف مشبّهة بالفعل خبر ← خبر حروف مشبّهة بالفعل	در متون قدیمی: تأکیدی، در متون جدید: غالباً بدون ترجمه
أَنْ		رابط دو قسمت عبارت: که
لَکِنَّ		ولی، اما، لکن
کَأَنَّ		گویا، مثل این که (گاهی برای تشبیه)
لَئِنَّ		برای بیان آرزو: کاش
لَعَلَّ		شاید، امید است که، باشد که

«لا»ی نفی جنس

اگر بخواهیم یک جمله اسمیه را با شدت و تأکید زیاد منفی کنیم، از کلمه‌ای به اسم «لا»ی نفی جنس استفاده می‌کنیم: التلمیذ في الصف: دانش‌آموز در کلاس است.

لا تلمیذاً في الصف: هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست.

رنکات

۱) شدت و تأکید بر نفی «لا»ی نفی جنس از «لیس»، ما، لا يوجد» بیشتر است.

۲) اسمی که بعد از «لا»ی نفی جنس می‌آید شرایط ظاهری زیر را دارد:

الف) «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد. **ب** با فتحه «ت» همراه می‌شود.

لا رجل / رجل / الرجل / رجل (✓) في البيت!

۳) بین «لا»ی نفی جنس و اسمش به هیچ عنوان فاصله نمی‌افتد.

۴) در ترجمه «لا»ی نفی جنس از ساختار «هیچ ... نیست» (وجود ندارد) استفاده می‌کنیم:

لا عبادة أفضل من التفکر: هیچ عبادتی برتر از اندیشیدن نیست. (وجود ندارد)

نست عین ما لیس فيه «لا» النافية للجنس:

۱) لا خير في الكذب فاجتنبه كثيراً!

۳) اليوم لا طالب في المدرسة يا مدیر!

۲) المعلم حاضر في الصف لا الطالب!

۴) لا علم لنا إلا ما علمنا الله!

پاسخ گزینه «۲» دقت کنید که بعد از «لا»ی نفی جنس اسم «ال» دار نمی‌آید. «لا»ی به کار رفته در گزینه «۲» صرفاً معنای «نه» می‌دهد: «معلم در کلاس حاضر است نه دانش‌آموز»

انواع «لا»: تاکنون با انواع مختلفی از «لا» در زبان عربی آشنا شده‌اید:

۱) «لا»ی نفی جنس: به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد، بعدش حتماً یک اسم بدون «ال» و «تنوین» دار و با «ت» می‌آید.

۲) «لا»ی نفی فعل مضارع: بعد از این «لا» فعل مضارع تغییر نیافته می‌آید و صرفاً فعل مضارع منفی می‌شود: لا یریدُ الله بکم العسر: خداوند برای شما سختی نمی‌خواهد.

۳) «لا»ی نهی: بعد از این نوع «لا» هم فعل مضارع می‌آید، با این تفاوت که آخر فعل مضارع تغییر یافته است (فعل مجزوم شده). فعل نهی از انجام کاری باز می‌دارد: لا تقولوا ما لیس لکم به علم: آن چه را که به آن دانش ندارید، نگویید.

۴) «لا» در جواب «هَلْ»: هَلْ أنت من العراق؟ لا: أنا من ایران: آیا تو عراقی هستی؟ نه: من ایرانی‌ام.

۵) «لا» صرفاً به معنای «نه»: شاور العقلاء في أمورك لا الجهلاء: در کارهایت با خردمندان مشورت کن نه نادانان.

نست عین الخطأ عن نوع «لا» في العبارات التالية:

۱) لا تقرّبوا منّا یوصلکم إلى الشقاوة! نافية

۳) أمرنا الله ألاّ نسبّ معبودات المشرکین! نافية

۲) لا سبب لفشلک إلا التکاسل! النافية للجنس

۴) یا أخي، لا تکذب في حیاتک لأنّ الکذب أمّ الکبائر! ناهية

پاسخ گزینه «۱» «لا تقرّبوا» چون مضارع تغییر یافته است (حذف «ن» از آخر فعل)، پس «لا» از نوع «ناهیه» است: «نزدیک نشوید ...»

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

واژگان

- ۱۵۰۶- عَيْنُ الْخَطَا عَقَا طَلِبَ مِنْكَ:
- (۱) یا آنها انسان ما کنت غیر لحم و عظم فما هذه الجرائم! جمع «عظام»
 (۲) إذا حالقنا الحظَّ ذهبنا إلى المرحلة النهائية للمسابقات! جمع «حظوظ»
 (۳) فريق الأثوية للمدرسة يُحضر للحفلة! جمع «أناشيد»
 (۴) كان الفأس على كتف الصنم الأكبر! جمع «كتوف»
- ۱۵۱۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَقَا طَلِبَ مِنْكَ:
- (۱) ألا يا أيها الساقى أدر كأساً و ناولها! مرادفه «فأس»
 (۲) الابتعاد عن المحارم يسبب رضا الله! مرادفه «تجنب»
 (۳) هذه الشعائر ليست مناسبة لهذا العيد! مرادفه «احاسيس»
 (۴) كانت الأصنام مصنوعة من الخشب أو الحديد أو الحجر! مفردة «أصنم»
- ۱۵۱۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:
- (۱) الصنم يطلق على نوع من الأشربة حزم شربه في الإسلام!
 (۲) الحنيف هو الذي يرفض عبادة إله سوى الله!
 (۳) الانسراح هو إيضاح تفاسير موضوع بدقة!
 (۴) الحظ هو عاقبة الإنسان في حياته إما خيراً و إما شراً
- ۱۵۱۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَائِغَاتِ:
- (۱) تماثيل من الحجر أو الخشب أو الحديد تُعبد من دون الله! النقوش
 (۲) إن الله على كل نفس ما لا طاقة لها به! لا يُخيل
 (۳) في يوم يُحاسب الإنسان محاسبة دقيقة! العتب
 (۴) هل تعرف طريقاً للوصول إلى المعالي المحاولة؟! بيوى
- ۱۵۱۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَائِغَاتِ:
- (۱) في العالم آيات كثيرة على وجود الخالق لعلنا! تدلّ - تعقل
 (۲) اللهمنا من شرور حادثات علينا! أيز - تهجم
 (۳) كتب الطبيب في الوصفة غالباً و أكد على تناوله في الوقت! داء - المحذد
 (۴) قام الطلاب بقراءة جميلة في تكريم الأساتذة! شعائر - حفلة
- ۱۵۱۴- عَيْنُ الْخَطَا لِتَكْمِيلِ الْفَرَائِغَاتِ:
- (۱) إنَّ الغضب فلا تتخذوا قراراً هاماً عندما تغضبون! مفسدة
 (۲) كان عندي فوصف الطبيب لي حبواً مهدئة! صراع
 (۳) هدم الزلزال بيوت هذه القرية لأنها كانت! مرصوفة
 (۴) هذا العالم ما خلق فلا شك فيه! سدى
- ۱۵۱۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَائِغَاتِ:
- (۱) جنودنا يدافعون عن الوطن بشجاعة كأنهم بنيان! مرصوص
 (۲) العلماء الإيرانيين وضعت أمام منظمة الأمم المتحدة! نقوش
 (۳) إبراهيم ﷺ كل الأصنام في المعبد إلا واحداً منها! انكسر
 (۴) إن إبراهيم ﷺ جميع إلا الأكبر منها ثم
- ۱۵۱۶- «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ ﷺ جميع إلا الأكبر منها ثم»
- (۱) كسر - الأصنام - علق - الفأس - كتف
 (۲) انكسر - الأصنام - جعل - الكأس - يد
 (۳) هدم - الشعائر - علق - الفأس - عين
 (۴) انهدم - الشعائر - وضع - الكأس - كتف

ترجمه و تخریب

- ۱۵۱۷- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بِنِيانٍ مَرُوصُونَ﴾
- (۱) بی گمان خداوند کسانی را که در راهش صف درصف می جنگند، دوست دارد؛ گویی آن‌ها بنایی استوارند!
 (۲) همانا خداوند دوستدار کسانی است که صف درصف در راه او می جنگند؛ زیرا آن‌ها شبیه به بناهای استوارند!
 (۳) قطعاً الله آن‌هایی را که صف درصف در راه او می جنگیدند، دوست داشت؛ آن‌ها به ساختمانی محکم شبیه بودند!
 (۴) به راستی که الله جنگندگان در راهش را دوست دارد؛ گویا آن‌ها ساختمانی محکم بوده‌اند!
- ۱۵۱۸- ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكُنْكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
- (۱) این، روز جدایی است؛ اما شما نمی دانید!
 (۲) این، روز رستاخیز است؛ حال آن‌که شما نمی دانید!
 (۳) امروز، روز رستاخیز است؛ حال آن‌که شما نمی دانید!
 (۴) این روز، روز قیامت است که شما نمی دانستید!
- ۱۵۱۹- «لَيْتَ النَّاسَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِهِمُ الْعَجِيبِ لَكِي يَدْرِكُوا قَدْرَةَ خَالِقِهِمُ الْعَظِيمَةِ!»:
- (۱) شاید مردم در آفرینش عجیبشان اندیشه نمایند تا بتوانند قدرت خالق بزرگشان را دریابند!
 (۲) امید است که مردم در آفرینش عجیب خود تفکر کنند تا قدرت فراوان خالق را بفهمند!
 (۳) کاش مردم در آفرینش شگفتشان اندیشه کنند تا قدرت عظیم خالقشان را دریابند!
 (۴) ای کاش مردم با اندیشه در آفرینش شگفتشان، قدرت خالق بزرگ خود را درک نمایند!



۱۵۲۰- «يا ليت الإنسان يدرك أن الله قد أرسل أنبيائه لَيَّبِينَا لَهُ سَبِيلَ الْوَصُولِ إِلَى السَّعَادَةِ فِي الْحَيَاةِ»:

- ۱) ای کاش انسان درک کرده باشد که الله پیامبران را فرستاد تا به او راه دستیابی به سعادت در زندگی نشان دهند!
- ۲) امید است که آدمی دریابد که خدا پیامبران را فرستاده تا راه دستیابی به سعادت در زندگی برای او آشکار شود!
- ۳) ای کاش آدمی دریابد که خداوند پیامبران را فرستاده تا راه رسیدن به خوشبختی در زندگی را برای او آشکار سازند!
- ۴) شاید انسان درک کند که پیامبران خدا فرستاده شده‌اند تا او را به راه رسیدن به خوشبختی در زندگی راهنمایی کنند!

۱۵۲۱- «إِنَّ الرِّغْبَةَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ مِنَ الْخَصَائِصِ الْفَطْرِيَّةِ لِلْإِنْسَانِ وَلَكِنَّهَا تَحْتَاجُ إِلَى أَنْ تُرَشَّدَ إِلَى طَرِيقَتِهَا السَّحِيحَةِ»:

- ۱) همانا میل به پرستیدن خداوند از خصایص فطری آدم است، و او به این که به درستی به راهش ارشاد شود، احتیاج دارد!
- ۲) به راستی رغبت در عبادت خداوند از خصلت‌های فطرت انسان است، ولی او نیازمند است تا او را به روش درستش رهنمون کنند!
- ۳) بی‌گمان روی آوردن به خداپرستی از ویژگی‌های فطرت انسان است، ولی او به این نیاز دارد که به راهش به درستی ارشاد شود!
- ۴) قطعاً تمایل به پرستش خدا از ویژگی‌های فطری انسان است، اما او نیاز دارد که به روش درست آن راهنمایی شود!

۱۵۲۲- «تَدُلُّ بَعْضُ النُّقُوشِ الْمَكْتُوفَةِ عَلَى أَنَّ الْأَدْيَانَ الْقَدِيمَةَ كَانَتْ لَهَا شَعَائِرُ خُرَافِيَّةٌ لَا تُوَافِقُ الْأَدْيَانَ السَّمَاوِيَّةَ»:

- ۱) بعضی نقش و نگارهای کشف‌شده نشان می‌دهند ادیان کهن عبادت‌هایی خرافاتی داشتند که با دین‌های آسمانی تناسب نداشته‌اند!
- ۲) برخی از نگاره‌های کشف‌شده دلالت دارند که ادیان کهن، مراسمی خرافاتی داشته‌اند که با ادیان آسمانی سازگار نیستند!
- ۳) برخی تندیس‌های اکتشافی گویای این است که ادیان قدیمی دارای عبادت‌های خرافه‌ای بودند که با ادیان آسمانی همخوانی ندارند!
- ۴) بعضی کنده‌کاری‌های اکتشافی نشان می‌دهند که در دین‌های قدیمی مراسمی خرافاتی بوده است که ادیان آسمانی با آن‌ها موافق نیستند!

۱۵۲۳- «لَمْ يَتْرِكِ اللَّهُ عِبَادَةَ حَتَّى يَبْقُوا فِي الْجَهْلِ وَ يَحْسَبُوا أَنَّ آيَاتِي صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَ آيَاتِي دِينٌ حَقٌّ»:

- ۱) الله بنده‌هایش را ترک نمی‌کند که در جهل بمانند و گمان کنند که هر صراطی، مستقیم است و هر دینی، حقیقت دارد!
- ۲) الله بندگان خود را وانگذاشته تا در نادانی بمانند و بپندارند که هر راهی، مستقیم و هر دینی، حق است!
- ۳) خداوند بندگان را وانگذاشت که نادان بمانند و هر راهی را مستقیم و هر دینی را حقیقی حساب کنند!
- ۴) خدا بنده‌های خود را رها نمی‌کند تا نادان بمانند تا نپندارند که هر راهی، مستقیم و هر دینی، حقیقت دارد!

۱۵۲۴- «لَعَلَّ تَقْدِيمَ الْقَرَابِينِ يَعُدُّ مِنْ أَقْدَمِ الشَّعَائِرِ الدِّيْنِيَّةِ الَّتِي أَزَادَتْ اِهْتِمَامَ النَّاسِ بِهَا عَلَى مَرِّ الْعَصُورِ»:

- ۱) شاید تقدیم کردن قربانی از قدیمی‌ترین شعارهای دینی برشمرده شود که مردم در طول زمان توجه زیادی به آن داشته‌اند!
- ۲) قطعاً تقدیم قربانیان از قدیمی‌ترین مناسک دینی به شمار می‌آید که توجه مردم به آن‌ها در گذر دوره‌ها زیاد شده است!
- ۳) شاید تقدیم قربانی‌ها از دیرینه‌ترین مراسم دینی به شمار رود که در گذر دوران‌ها توجه مردم به آن افزایش یافته است!
- ۴) احتمالاً تقدیم کردن قربانی‌ها از کهن‌ترین مراسم ادیان شمرده می‌شود و اهتمام مردم به آن در گذر دوران‌ها زیاد شده است!

۱۵۲۵- «إِذَا قُرَأَ قِصَصُ الْقُرْآنِ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ أَدْرَكْنَا أَنَّ صِرَاعَهُمْ مَعَ أَقْوَامِهِمْ كَانَ لِإِنْقَادِهِمْ مِنْ شَرِّ جَهْلِهِمْ!»:

- ۱) اگر داستان‌های قرآنی درباره سیره پیامبران را خوانده باشیم، درک می‌کنیم که نبرد آن‌ها با اقوام خود، برای نجات‌بخشی آن‌ها از شرارت نادانی بوده است!
- ۲) هر وقت قصه‌های قرآن را درباره سیره پیامبران خواندیم، درک کردیم که مبارزه آن‌ها با قوم‌هایشان برای این بوده که آن‌ها را از شر جهل نجات بدهند!
- ۳) وقتی قصه‌های قرآنی را درباره کردار پیامبران می‌خوانیم، می‌فهمیم که درگیری‌شان با اقوامشان برای این بوده که آن‌ها را از شر جهالتشان نجات بدهند!
- ۴) هرگاه داستان‌های قرآن درباره سرگذشت پیامبران را بخوانیم، درمی‌یابیم که کشمکش آن‌ها با قوم‌هایشان برای نجات‌دادن آن‌ها از شر نادانی‌شان بوده است!

۱۵۲۶- «أَلَيْسَ عَجِيبًا أَنَّ الْإِنْسَانَ كَانَ يَصْنَعُ تَمَائِيلَ بِأَيْدِيهِ ثُمَّ يَنْظُرُ أَتَاهَا أَلِهَةٌ يَجِبُ أَنْ تُعْبَدَ!»:

- ۱) آیا حیرت‌انگیز نیست که انسانی با دست خود تندیس را بسازد، سپس بپندارد که آن خدایی است که باید او را بپرستد؟
- ۲) آیا برایت عجیب نیست که انسان مجسمه‌هایی را با دست خود می‌ساخته و می‌پنداشته آن‌ها خدایانی هستند که باید آن‌ها را بپرستد؟
- ۳) آیا شگفت نیست که انسان با دستان خود تندیس‌هایی را می‌ساخته، سپس گمان می‌کرده آن‌ها خدایانی‌اند که باید پرستش شوند؟
- ۴) آیا شگفت‌آور نیست که انسانی تمثال‌ها را به دست خود بسازد، سپس آن‌ها را خدایانی بپندارد که واجب است پرستیده شوند؟

۱۵۲۷- «كَانَ آخِرُ مَنْ كَسَرَ أَسْنَانَ الْكَعْبَةِ هُوَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي جَلَسَ عَلَى كَتِفِ النَّبِيِّ ﷺ وَ طَهَّرَ بَيْتَ اللَّهِ مِنْهَا لِلْمَرَّةِ الْأَخِيرَةِ»:

- ۱) دیگر شخصی که بت‌های کعبه را شکاند، امام علی علیه السلام بود که بر شانه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و خانه خدا را برای آخرین بار از آن‌ها طاهر ساخت!
- ۲) آخرین کسی که بت‌های کعبه را شکاند، امام علی علیه السلام است که روی دوش پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و خانه خدا را برای آخرین بار تطهیر شد!
- ۳) شخص دیگری که بت‌های کعبه را شکست، امام علی علیه السلام بود، او بر شانه پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و خانه خدا را از آن‌ها خالی کرد!
- ۴) آخرین کسی که بت‌های کعبه را شکست، امام علی علیه السلام بود که بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و برای بار آخر، خانه خدا را از آن‌ها پاک کرد!

۱۵۲۸- «قَرَّرَ عَابِدُو الْأَصْنَامِ أَنْ يَحْرَقُوا إِبْرَاهِيمَ ﷺ فَأَشْعَلُوا نَارًا وَ أَقْوَهُ فِيهَا وَلَكِنْ النَّارُ أَصْبَحَتْ بَرْدًا عَلَيْهِ»:

- ۱) عابدان بت‌ها تصمیم داشتند ابراهیم علیه السلام را بسوزانند، پس آتشی برافروخته شد و او را در آن افکندند، ولی آتش بر او سرد بود!
- ۲) بت‌پرستان قرار گذاشتند ابراهیم علیه السلام سوزانده شود، پس آتشی روشن کردند تا او را در آن بیفکنند، اما آتش بر او سرد شد!
- ۳) بت‌پرستان تصمیم گرفتند که ابراهیم علیه السلام را بسوزانند، پس آتشی برافروختند و او را در آن انداختند، اما آتش بر او سرد گشت!
- ۴) پرستندگان بت‌ها قرار گذاشتند ابراهیم علیه السلام را آتش بزنند، پس آتش روشن کردند تا او بسوزد، ولی آتش سرد بود!



۱۵۲۹- لم یکن ابراهیم ﷺ برید ان یستهزی بأصنام قومه إنما یقصد أن یحرک عقولهم لعلمهم یعقلون!:

- ۱) ابراهیم ﷺ نمی خواسته بت‌های قومش را ریشخند کند، فقط می خواسته خردهایشان تکان بخورد، به این امید که خردورزی نمایند!
- ۲) خواست ابراهیم ﷺ این نبود که بت‌های قومش را ریشخند کند، بلکه می خواست خردهایشان تحریک شود، به امید این که ببینند!
- ۳) ابراهیم ﷺ نباید بخواهد بت‌های قومش را مسخره کند، بلکه باید قصد کند عقل‌های آنان را به حرکت درآورد که ببینند!
- ۴) ابراهیم ﷺ نمی خواست بت‌های قوم خود را مسخره کند، فقط می خواست خردهایشان را تکان دهد، شاید خردورزی نمایند!

۱۵۳۰- لقا رجع قوم ابراهیم ﷺ إلى المعبد شاهدوا الأصنام مكشورة إلا الصنم الكبير الذي كان فأس معلقاً على عنقه!:

- ۱) هنگامی که قوم ابراهیم ﷺ به معبد برگشتند، بت‌ها را شکسته شده دیدند، به جز بت بزرگ که تبری بر گردنش آویخته بود!
- ۲) وقتی قوم ابراهیم ﷺ به معبد بازگشتند، دیدند که بت‌ها شکسته شده‌اند، جز بت بزرگ که روی شانه‌اش تبری بود!
- ۳) چون قوم ابراهیم ﷺ به معبد برگشتند، مشاهده کردند که بت‌ها شکسته شده‌اند، جز بت بزرگ‌تر که تبری بر دوشش آویخته بود!
- ۴) وقتی قوم ابراهیم ﷺ سوی معبد آمدند، بت‌ها را شکسته شده مشاهده کردند جز بزرگ‌ترین بت‌ها که یک تبر بر گردنش قرار داده شده بود!

۱۵۳۱- «أمر الله النار بأن تصیر علی نبيه روضة كأنها لم تكن لها حرارة أبداً فصار ما أراد الله!:

- ۱) الله به آتش امر کرد که بر پیامبرش بوستان شود که هرگز گرمایی ندارد، پس آن چه خدا اراده کرد، شد!
- ۲) خداوند آتش را فرمان داد که بر پیامبرش به بوستانی تبدیل شود که گویا هیچ گرمایی نداشته، پس اراده خداوند انجام شد!
- ۳) الله به آتش فرمان داد که بر پیامبر او گلستان شود، گویی هیچ‌گاه حرارتی نداشته است، پس آن چه خدا خواست، شد!
- ۴) امر خدا به آتش این بود که بر پیامبر او تبدیل به باغی شود که انگار حرارتی ندارد، پس خواست خدا انجام شد!

۱۵۳۲- «كل عقيدة لا یطلب رضی الله بها فإنما هی داء الفکر و لا أثر فیها من النفس السلیمة!:

- ۱) هر عقیده‌ای که رضایت خدا را طلب نمی‌کند، فقط بیماری اندیشه است و اثری از نفس سلیم ندارد!
- ۲) هر باوری که با آن خشنودی خداوند خواسته نشود، فقط بیماری فکر است و از نفس سلیم هیچ اثری در آن نیست!
- ۳) همه ایده‌هایی که رضایت خداوند با آن‌ها طلب نمی‌شود، قطعاً بیماری اندیشه‌اند و از نفس سلیم هیچ اثری ندارند!
- ۴) هر باوری که به خشنودی خدا ختم نشود، تنها بیماری فکر است و اثری از نفس سلیم در آن نمی‌یابی!

۱۵۳۳- «حينما انتهت المحاكمة بدأ ضیوف المحكمة یتهامسون عن الحكم الذي سیتقد للمتهم!:

- ۱) هنگامی که محاکمه تمام شد، مهمانان دادگاه درباره حکمی که برای متهم اجرا خواهد شد، شروع به پیچ کردن!
- ۲) وقتی محاکمه به پایان رسید، مهمانان دادگاه درباره حکمی که برای متهم اجرا خواهند کرد شروع به حرف زدن کردند!
- ۳) وقتی محاکمه به پایانش نزدیک شد، مهمانان در دادگاه حرف زدن درباره حکمی را که برای متهم اجرا خواهد شد، شروع کردند!
- ۴) هنگامی که محاکمه به پایان رسید، مهمانان دادگاه درباره حکمی که برای متهم اجرا می‌کنند، پیچ می‌کردند!

۱۵۳۴- «لیتک لا تشک فی أن الله یجیب دعواتک و یعینک فی أداء واجباتک حتی تصل إلى خیر نتیجة!:

- ۱) کاش شکی نداشته باشی که خدا درخواست‌هایت را می‌شنود و در انجام واجبات به تو کمک می‌کند تا به نتیجه خیر برسی!
- ۲) ای کاش تو در این که خداوند دعاها را برآورده می‌سازد و تو را در انجام وظایف یاری می‌کند تا به بهترین نتیجه برسی، شک نکنی!
- ۳) امید است که شک نکنی که خدا درخواست تو را برآورده می‌کند و در انجام واجبات، تو را یاری می‌دهد تا نیک‌ترین نتیجه را به دست آوری!
- ۴) امید است شک نداشته باشی که خدا دعایت را می‌شنود و در پرداختن تو به تکالیف کمکت می‌کند تا در نتیجه، به خیر برسی!

۱۵۳۵- «لعلک لا تتبع رغبة تحفلك القیام بعمل یصبح لك مفسدة و یضیع راحتک!:

- ۱) امید است تمایلی را دنبال نکنی که تو را به انجام کاری وامی‌دارد که برایت مایه تباهی می‌شود و آسایشت را از بین می‌برد!
- ۲) شاید تو از رغبتی تبعیت می‌کنی که تو را به پرداختن به عملی مجبور می‌کند که برایت موجب فساد است و راحت‌ات را تباه کرده است!
- ۳) امید است رغبتی را پی‌گیری که پرداختن به کاری را بر تو تحمیل می‌کند، حال آن‌که مایه تباهی است و آسایش را از تو می‌گیرد!
- ۴) چه‌بسا تو از میلی تبعیت کنی که انجام عملی را بر تو تحمیل می‌کند که برایت فساد می‌شود و آرامش را از تو سلب خواهد کرد!

۱۵۳۶- «لا حضارة من الحضارات البشریة فی التاريخ إلا و كان لها دین كأن الدین وُلد الحضارات!:

- ۱) از تمدن‌های بشری، هیچ تمدنی در تاریخ نیست، مگر این‌که دینی داشته است، گویی تمدن‌ها فرزند دین هستند!
- ۲) هیچ یک از تمدن‌های بشری در تاریخ نبوده، جز این‌که دین داشته، چه‌بسا دین بوده که تمدن‌ها را زاییده است!
- ۳) هیچ تمدنی از تمدن‌های انسانی در تاریخ نیست، جز این‌که دینی داشته، گویا دین تمدن‌ها را به دنیا آورده است!
- ۴) تمدنی از تمدن‌های انسانی در تاریخ نبوده است، مگر این‌که دین داشته است، پس قطعاً دین تمدن‌ها را به وجود آورده است!

۱۵۳۷- «قد قیل للإنسان إن الشوك ذنب لا یغفر فلیجتنبه!:

- ۱) به انسان گفته خواهد شد که شرک، گناهی نابخشودنی است، پس باید از آن دوری نماید!
- ۲) به انسان گفته شده که شرک گناهی است که آمرزیده نمی‌شود، پس باید از آن دوری کند!
- ۳) به انسان گفته می‌شود که شرک گناهی است که آمرزشی ندارد، پس از آن دوری می‌کند!
- ۴) به انسان گفته شده که چون شرک گناهی نابخشودنی است، باید از آن دوری نماید!


۱۵۳۸- «لا قيمة لعلم لم يقترن بالعمل فاعملوا بما تتعلمون!»:

- ۱) علمی که با عمل همراه نشده است، هیچ ارزشی ندارد؛ پس به آن چه فرا می‌گیرید، عمل کنید!
- ۲) دانشی که همراه عمل نباشد، هیچ ارزشی ندارد؛ پس به آن چه یاد می‌گیرید، عمل‌کننده باشید!
- ۳) آن علمی که با عمل مقترن نگردد، ارزشی ندارد؛ پس عمل نمایید به هر آن چه که فرا می‌گیرید!
- ۴) اگر دانش با عمل همراه نشود، ارزشی نخواهد داشت؛ پس به آن چه فرا گرفته‌اید، عمل نمایید!

۱۵۳۹- «ألا إن قلبك يطمئن بالاستعانة بالله و ذكره يجعل التوفيق حطك في حياتك!»:

- ۱) آگاه باش که با یاری‌جویی از خداوند، دلت آرامش می‌یابد و یاد او موفقیت را در زندگی‌ات بخت تو قرار می‌دهد!
- ۲) بدان که یاری‌جستن از خدا قلبت را مطمئن می‌سازد و یادکردن او در زندگی، موفقیت را به‌رمت می‌سازد!
- ۳) آگاه باش که قلبت با کمک‌خواستن از الله و ذکر او، اطمینان می‌یابد و او توفیق را در زندگی‌ات نصیب می‌سازد!
- ۴) به راستی که استعانت از الله، دل را آرامش می‌دهد و ذکر او در زندگی، تو را از توفیق بهره‌مند می‌کند!

۱۵۴۰- «اللهم أبر سماء العالم بنور السلام و احم الأرض من شُرور الحادثات و اعلأ صدر الدنيا انشراحاً!»:

- ۱) خداوند، آسمان عالم را با نور سلامتی نورانی کن و زمین را از شرّ حادثه‌ها حمایت نما و سینه دنیا را از شادمانی پر کن!
- ۲) پروردگارا، آسمان جهان را از نور آشتی بهره‌مند کن و از زمین در مقابل رویدادهای بد حمایت نما و دل دنیا را شاد کن!
- ۳) خداوند، با نور اسلام آسمان دنیا را نورانی ساز و زمین را از بدی‌های حادثه‌ها نگه دار و سینه جهان را پر از شادی کن!
- ۴) خدایا، با نور صلح، آسمان جهان را روشن کن و زمین را از بدی‌های حوادث، نگاه دار و سینه دنیا را از شادی آکنده ساز!

۱۵۴۱- عین الصحیح:

- ۱) لا دين لمن لا يفي بوعوده! کسی که به وعده‌اش عمل نمی‌کند، دین ندارد!
- ۲) ﴿و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً﴾ گفتارشان تو را نباید ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست!
- ۳) إرحموا تُرحموا فإن الرحمن يرحم الرحماء! باید بخشایید تا شما را بخشایند؛ چه (خداوند) رحمان به رحم‌کنندگان، رحم خواهد کرد!
- ۴) لا تأكلوا من طعام لم يذكّر اسم الله عليه! از غذایی که اسم خداوند را بر آن تبرده‌اند، نمی‌خورید!

۱۵۴۲- عین الصحیح:

- ۱) «عندما ينادي المنادي إلى الصلاة فاسعوا إليها»: وقتی ندادهنده به سوی نماز ندا داد، آن را به جا بیاورید!
- ۲) «لا تكوننّ من يقولون ولكن لا يعملون!»: از کسانی نشو که می‌گویند، ولی عمل‌کننده نیستند!
- ۳) «نصر الله إبراهيم ﴿و صبر النار عليه أمناً﴾: خداوند ابراهیم ﴿ﷺ﴾ را یاری کرد و آتش را بر او امن گرداند!
- ۴) «بعيد عن العقل أن يضع الإنسان أياه سدى!»: از خرد به دور است که آدمی روزهایش را بیهوده بگذراند!

۱۵۴۳- عین الصحیح:

- ۱) «حينما نودي للصلاة أقيموا وجوهكم لذكر الله!»: وقتی برای نماز، ندا داده می‌شود، ذکر خدا را به پا دارید!
- ۲) «إنما سيرة الأنبياء تعلمنا درس الحياة!»: به راستی کردار پیامبران، به ما درس زندگی می‌آموزد!
- ۳) «ارحم الناس يرحمك الله و يجعلك من المكرمين!»: اگر به مردم رحم کنی، خداوند به تو رحم می‌کند و از ارجمندان قرارت می‌دهد!
- ۴) «يحضر الله أعمالنا يوم البعث و يضعها أمامنا»: خداوند روز رستاخیز، اعمالمان را حاضر می‌کند و آن‌ها را برابرمان می‌گذارد!

۱۵۴۴- عین الخطأ:

- ۱) «ليت الشباب يعود يوماً لأخبره بما فعل بي المشيب!»: کاش جوانی روزی بازگردد تا او را از آن چه پیری با من کرده باخبر کنم!
- ۲) «قد بينت التجربة أن القناعة تُغنيا عن الناس!»: تجربه نشان داده همانا قناعت، ما را از مردم بی‌نیاز می‌سازد!
- ۳) «كأن عمرك سحابت تظنه ثابتاً ولكنّه يمزا!»: عمر تو همچون آبری است که آن را ثابت می‌پنداری، اما آن می‌گذرد!
- ۴) «لعل مواطنينا يدركون أن الاتحاد رمز النجاح!»: امید است هم‌وطنانمان دریابند که اتحاد رمز پیروزی است!

۱۵۴۵- عین الخطأ:

- ۱) «لا تغتروا بأقوال الكاذبين و لا بأفعالهم!»: نه از سخنان دروغگویان فریب بخورید و نه از کارهایشان!
- ۲) «لا تقدر على النجاح إن لا تصبر على المصائب!»: اگر بر سختی‌ها صبر نکنی، نمی‌توانی پیروز شوی!
- ۳) «لا عقل لمن لا يستفيد من تجاربه السابقة!»: کسی که از تجربه‌های قبلی‌اش استفاده نمی‌کند، خرد ندارد!
- ۴) «لا يحدث الإنسان الآخرين بكل ما يسمع!»: انسان نباید هر چه را می‌شنود، برای دیگران بگوید!

۱۵۴۶- عین الخطأ:

- ۱) «إنما قيمتك بما تكتسب لا بما تعطى!»: ارزش تو صرفاً به چیزی است که به دست می‌آوری، نه چیزی که به تو داده می‌شود!
- ۲) «ليتك فهمت أن الفخر بالنسب علامة الجهل!»: کاش دانسته بودی که افتخارکردن به دودمان، نشانه نادانی است!
- ۳) «إنما الإنسان من الطين لا من الذهب لعلّه يتفكّر!»: انسان فقط از گل است و هیچ از طلا نیست، شاید بیندیشد!
- ۴) «تظنون أن لكل منكم أباً ولكنكم جميعاً من أب!»: می‌پندارید که هر یک از شما پدری دارد، اما شما همه از یک پدر هستید!



۱۵۴۷- کم خطأ تجد في الترجمات؟

(الف) «إن سئل الكافرون يوم البعث أين ما كنتم تدعون من دون الله فلا جواب لهم»: اگر در روز رستاخیز از کافران پرسیده شود، آن چه که به غیر خدا فراخوانده بودید کجاست؟ پاسخی ندارند!

(ب) «لا تحزن إن قيل إن سلوكتك ليس صحيحاً فلا يحزنك قول من ينصحك»: اگر گفتند که رفتار تو درست نیست، ناراحت نشو؛ زیرا نباید از سخن کسی که نصیحتت می‌کند، ناراحت شوی!

(ج) «يا ليت الناس علموا أن من لا يفي بعهده لا دين له»: ای کاش مردم بدانند که کسی که به عهدش وفا نمی‌کند، هیچ دینی ندارد!

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۱۵۴۸- کم خطأ في الترجمات؟

(الف) «إن الله لن يضيع أجر جنودنا الذين يقاتلون في سبيله صفاً»: بی‌گمان خداوند پاداش سربازان ما را که با صمیمیت در راه او می‌جنگند، تباہ نمی‌کند!

(ب) «ستبين الصعوبات أن الذين يحبون الوطن لا يستوي الذين لا يحبونه»: سختی‌ها نشان می‌دهند که کسانی که وطنشان را دوست دارند، با کسانی که آن را دوست ندارند، برابر نیستند!

(ج) «كأن جيشنا بنيان مروض لا أمل للأعداء بأن يعبروا منه»: ارتش ما همانند بنایی استوار است که دشمنان امید نمی‌دارند که از آن عبور کنند!

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۱۵۴۹- «يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون»:

(۱) الله مثل‌هایی برای مردم می‌زند، شاید پند بگیرند!
(۲) الله برای مردم مثل‌ها را می‌زند، شاید یادآور شوند!
(۳) خداوند مثلی برای مردم زده است، باشد که متنبه شوند!
(۴) خداوند مثلی برای مردم مثلی زده است، باشد که عبرت بگیرند!

۱۵۵۰- «قد تعلمت أن لا أعجل في معاقبة أحد بذنب ارتكبه، فلعل الله أراد أن يغفر ذنبه»:

(۱) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواد از گناه او درگذرد!
(۲) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، بسا بخواد از گناه آن‌ها گذشت کند!
(۳) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه‌کردنشان نباید شتاب داشته باشم، بسا خدا بخواد آن‌ها را بیمارزد!
(۴) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده خداوند باشد!

۱۵۵۱- «الظبي كأنه إنسان شاعر يدرك جمال الليل و هو يرقب القمر يا عجب كثير!»:

(۱) این آهو، چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره‌گر زیبایی ماه است!
(۲) چه بسا آهو، انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می‌داند و ماه را با تعجب بسیار نظاره می‌کند!
(۳) آهو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می‌نماید و با شگفتی بسیار، ماه را نظاره می‌کند!
(۴) گویی که این آهو همچون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می‌کند و به طوری عجیب، نظاره‌گر ماه است!

۱۵۵۲- «يوم ينظر المرء ما قدمت يداه و يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً»:

(۱) (در آن) روز، انسان به آن چه دستانش پیش فرستاده، می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم!
(۲) آن روز، انسان می‌بیند چیزی را که با دستانش پیش فرستاده است و کافر می‌گوید: ای کاش خاک باشم!
(۳) روزی که شخص، نتیجه آن چه را که به وسیله دستانش تقدیم کرده، می‌بیند و کافر می‌گوید: کاش خاک بودم!
(۴) (آن) روز است که هر شخصی به نتیجه چیزی که دستانش تقدیم کرده، می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش خاک می‌شدم!

۱۵۵۳- «ليتني كنت قد تعلمت منك أن لا أحزن على كل مكروه أواجهه و لو كان كبيراً»:

(۱) کاش از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه می‌شوم، غمگین نگردم، اگرچه بزرگ باشد!
(۲) شاید از تو آموخته باشم که به خاطر هر آن چه از ناپسندی‌ها که به من برسد، حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم!
(۳) کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملایمی که با من مواجه می‌شود، از تو یاد می‌گرفتم ولو بزرگ باشد!
(۴) شاید غم‌نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید، با وجود بزرگ‌بودن، از تو بیاموزم!

۱۵۵۴- «لا لون في عمق أكثر من مائتي متر، لأن كل الألوان تختفي هناك»:

(۱) هیچ رنگی در عمق حدود دویست متر نیست، چه همه رنگ‌ها همان‌جا مخفی می‌شوند!
(۲) هیچ رنگی در عمقی بیش از دویست متر وجود ندارد؛ زیرا آن‌جا همه رنگ‌ها پنهان می‌شوند!
(۳) در عمق بیش از دویست متر، هیچ رنگی نیست، برای این که آن مکان، همه رنگ‌ها را پنهان می‌کند!
(۴) در عمقی بیش از دویست متر رنگی نیست، از آن‌جا که همه رنگ‌هایی که وجود دارند، مخفی شده‌اند!

۱۵۵۵- «الصورة الحسنة لا دوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليذكرك الناس بالخير في المستقبل»:

(۱) روی زیبا بادوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش، تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!
(۲) صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکوسیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!



(ریاضی ۹۵)

۳) روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرتت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد خواهند کرد!
 ۴) برای چهره زیبا نباتی نیست، پس خوش اخلاق باش که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد خواهند کرد!
۱۵۵۶- «مفتاح الهدوء هو أن تعلم أنه لا أثر لرأي الآخرين في حياتنا»:

- ۱) کلید آرام بودن این است که نظر دیگران در زندگی ما هیچ تأثیری ندارد!
- ۲) کلید آرامش، یعنی بدانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!
- ۳) کلید آرامش آن است که بدانیم نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی ما ندارد!
- ۴) کلید آرام بودن آن است که می دانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!

(انسانی ۸۹)

۱۵۵۷- «لا شابَّ هناك لم يدافع عن وطنه في الحرب المفروضة»:

- ۱) جوانی نیست که در جنگ تجاوزگرانه از وطن دفاع نکند!
- ۲) هر جوانی هنگام تحمیل جنگ، از وطن خویش دفاع می کند!
- ۳) هیچ جوانی نیست که در جنگ تحمیلی، از وطن خود دفاع نکرده باشد! ۴) هیچ جوانی نبود که هنگام تحمیل جنگ تجاوزگرانه، از وطن دفاع نکرده باشد!

(انسانی ۹۴)

۱۵۵۸- «لا حياة تبقى للحقيقة بعد كل إغراق في المدح و في الذم»:

- ۱) بعد از هر زیاده روی در مدح و ذم، هیچ حیاتی برای حقیقت باقی نمی ماند!
- ۲) هیچ حیاتی وجود ندارد که بعد از مدح و ذم میالغه آمیز، حقیقت را نشان دهد!
- ۳) هیچ حیاتی، بعد از اغراق در هرگونه مدح و ذم، برای حقیقت باقی نخواهد ماند!
- ۴) بعد از میالغه ها، چه در مدح و چه در ذم، هیچ حیاتی نمی ماند که حقیقت در آن باشد!

(هنر ۹۲)

۱۵۵۹- «لا دين للمتلون و إن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال ديانتته»:

- ۱) کسی که چند رنگ است، دینی ندارد، حتی اگر به بی نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!
- ۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دورنگ است و به کمال دینداری اش تظاهر کرده و باعث اشتباه تو شود!
- ۳) انسان دورو، هیچ دینی ندارد، اگرچه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!
- ۴) آن که دورو است دین ندارد، هر چند ظاهری بادین و بی نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!

(ریاضی ۹۲ - با تغییر)

۱۵۶۰- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) کان ابي لا يترك صلاة أول الوقت أبداً: پدرم هرگز نماز اول وقت را ترک نمی کرد،
- ۲) و يقول لنا دائماً إنهما من وصايا النبي ﷺ: و همواره به ما می گفت که آن از توصیه های پیامبر ﷺ است،
- ۳) و قد قيل عن الصلاة: حافظوا على الصلاة و تقربوا بها: و درباره نماز گفته اند: نماز را نگاه دارید و به آن نزدیک شوید،
- ۴) فاعلم أن كل شيء من عملك تبع لصلواتك! پس بدان که هر چیزی از عمل تو در گرو نماز توست!

(زبان ۹۵)

۱۵۶۱- عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) لا طفل يخلق لتهيئة طعامه في كل يوم: کودک برای تهیه غذای روزانه اش مضطرب نیست،
- ۲) لأنه يؤمن ببطوفة أمه دائماً: زیرا او همیشه به مادر مهربانش ایمان دارد،
- ۳) ليتني كنت أمنت برتي مثل ذلك الطفل: ای کاش من هم مثل آن کودک، به خدایم ایمان بیاورم،
- ۴) و ما كنت أقلق لتهيئة طعام الغد أبداً! و هرگز برای تهیه غذای فردا، پریشان نمی شدم!

۱۵۶۲- «سرگذشت پیشینیان بهترین تجربه برای ماست، پس باید از آن ها عبرت بگیریم»:

- ۱) مصير القدماء أفضل التجارب لنا فلنعتبر بها!
- ۲) إن سيرة القدماء خير التجربة لنا فلنعتبر بها!
- ۳) إن ترجمة السلف أفضل التجارب لنا فنحن نعتبر بها!
- ۴) ماضي السلف تجربة فضلى لنا فنعتبر بها!

۱۵۶۳- «هیچ کاری بهتر از فراگرفتن دانش نیست؛ زیرا دانش اندوزی واجب دینی است»:

- ۱) لا عمل أفضل من تعلم العلم فإن طلب العلم فريضة!
- ۲) ليس عمل خير من تعليم العلم لأن طلب العلم واجب!
- ۳) تعلم العلوم عمل ليس عمل أفضل منه فإنه فريضة!
- ۴) لا عمل خير من تعلم العلوم لأن طلب العلم واجب!

۱۵۶۴- «امید است که انسان در آینده صلح را در جهان گسترش دهد»:

- ۱) ليت الإنسان يوسع السلم في الغد في العالم!
- ۲) رثما يبسط الإنسان الانشراح في المستقبل في الدنيا!
- ۳) لعل الإنسان يوسع السلام في المستقبل في العالم!
- ۴) قد يبسط الإنسان الانشراح في الغد في الدنيا!

۱۵۶۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) از قدیم گفته شده است که پیشگیری بهتر از درمان است! قد قيل من القديم إن الوقاية خير من العلاج!
- ۲) مدال طلائی بر گردن برنده مسابقات آویخته شد! جعل الوسام الذهبي على كتف لاعب المسابقات!
- ۳) هرگز از کسانی نباش که با زبان هایشان به دیگران ضرر می رسانند! لا تكونن من الذين يضرون الآخرين بألسنتهم!
- ۴) با اخلاص به خداوند روی بیاور و از دستوراتش پیروی نما! أقم وجهك لله مخلصاً و أتبع أوامره!



۱۵۶۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) هیچ دگرگونی در سنت‌های الهی نیست: لا تبدیل للسنن الإلهية!
- ۲) هیچ ارزشی برای علم بی‌عمل نیست: لا قیم لعلوم لیس له عمل!
- ۳) هیچ یاسی در دل بنده صالح راه ندارد: لا ینغذ الیأس فی قلب العبد الصالح أبداً!
- ۴) هیچ عاقلی را نمی‌شناسم که از تجارب عبرت نگیرد: لا أعرف العاقل لم یعتبر بالتجارب!

مفهوم

۱۵۶۷- «أيتها الفاجر جهلاً بالنسب / إنما الناس لأُم و لأب» عَيْنِ الأبعد عن المفهوم:

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ۱) گیرم پدر تو بود فاضل | از فضل پدر تو را چه حاصل؟! |
| ۲) جاهل آسوده، فاضل اندر رنج | فضل مجهول و جهل معتبر است |
| ۳) هنر بنمای اگر داری نه گوهر | گل از خار است و ابراهیم از آزر |
| ۴) چو کنعان را طبیعت بی‌هنر بود | پیمبرزادگی قدرش نیفزود |

۱۵۶۸- عَيْنِ الأقرَب من مفهوم الحديث: «لا ميراث كالآداب!»

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه | هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود |
| ۲) ادب آموزدهت زمان پس از این | چون نیاموختی ز خلق زمین |
| ۳) عیالت را ادب آموز دائم | بُود سودی در آن پیوسته لازم |
| ۴) بی‌ادب را به زر مگو که نکوست | ادب مرده به ز دولت اوست |

۱۵۶۹- عَيْنِ الأبعد في المفهوم:

- ۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز
- ۲) ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَتْلُمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَتْلُمُونَ﴾: ز دانش به اندر جهان هیچ نیست / تن مرده و جان نادان یکی است
- ۳) ﴿لَا يَزْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسُ﴾: خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است
- ۴) ﴿مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقُّ بِطَوْلِ السَّجْنِ مِنَ اللُّسَانِ﴾: کم‌آواز هرگز نبینی خجل / جوی مُشک بهتر که یک توده گل

۱۵۷۰- عَيْنِ الخَطَأِ في المفهوم:

- ۱) ﴿لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا﴾: «رتنا و لا تحفلنا ما لا طاقة لنا به»
- ۲) «لا فخر كالجهل»: عليكم بالعلم و التعلّم!
- ۳) «لا خير في قول إلا مع الفعل»: الكلام يجزّ الكلام!
- ۴) «كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك»: الحصول على رضی الناس كلهم مستحيل!

۱۵۷۱- «رَبِّ مَلُومٌ لَا ذَنْبَ لَهُ» مفهوم العبارة هو:

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------|
| ۱) طبیعی که خود باشدش زرد، روی | از او داروی سرخ‌رویی مجوی |
| ۲) گنه کرد در بلخ آهنگری | به ششتر زدند گردن مسگری |
| ۳) گر به دولت برسی، مست نگردي، مردی! | |
| ۴) عطایش را به لقایش بخشیدم! | |

۱۵۷۲- عَيْنِ الأقرَب في المفهوم:

- | | |
|---|--|
| ۱) «لا فخر أشد من الجهل»: سُ الذنبا و الآخرة مع الجهل! | ۲) «لا كنز أغنى من القناعة»: أشكر الناس أفنتهم! |
| ۳) «لا لباس أجمل من العافية»: ثوب العافية أهنا الملابس! | ۴) «لا ميراث كالآداب»: حسن الأدب يستر قبح النسب! |

۱۵۷۳- عَيْنِ الأيتين يختلف مفهومهما:

- ۱) ﴿أَيُحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾
- ۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: ﴿وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۳) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضُفَاءً﴾: ﴿لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ﴾
- ۴) ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾: ﴿أَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْحَشْرَةِ﴾

فوائد

۱۵۷۴- حسود بيننا: هیچ حسودی بین ما نیست! عَيْنِ الصَّحِيحِ حسب الترجمة:

- | | | | |
|----------|-------|--------|--------|
| ۱) اِنَّ | ۲) لا | ۳) لعل | ۴) لیت |
|----------|-------|--------|--------|



١٥٧٥- انتخب العبارة التي استعمل فيها جميع الحروف المشبهة بالفعل:

- (١) إن صديقي محزون كأنه قد فقد أحد أعضائه أسزبه لأنه قد لبس ثوباً أسود أو لعله يحب هذا اللون!
- (٢) ليت والدي متنا في هذا السفر لأني لا أحب أن أسافر دونه كأنه جزء من وجودي!
- (٣) إني أعرف بأن إرادتك قوية كأنك جبل، لتلك تصبح ناجحاً ولكنك تحتاج إلى الصبر فليتك تفوز!
- (٤) إن زملائي مجتهدون لعلهم يصلون إلى أهدافهم لأنهم مؤمنون بأنفسهم فآتمنى أن تنجحوا داعياً: ليتكم تنجحون!

١٥٧٦- في أي عبارة لا يستلزم حرف «لا» النفي عن جميع جنس الأفراد؟

- (١) لا نشيط إلا و هو ناجح فيما يريد!
- (٢) لا لباس أجمل من العافية فأعرف قدرها!
- (٣) أسافر إلى مدينة لا متحف فيها!
- (٤) هذا الرجل معلم ناجح لا شاعر مشهور!

١٥٧٧- عيّن عبارة ليس فيها حرف «ان» من الحروف المشبهة بالفعل:

- (١) إن صديقي طالب صادق يجتهد في حياته فستنجح دون شك!
- (٢) أيها المسلمون! اجتنبوا الحصول على المال الحرام وإن أعجبكم!
- (٣) مادام الاجتهاد والمحاولة حليفتنا، إنا نحصل على ما نريد!
- (٤) كثير من الطلاب نجحوا في امتحانات نهاية السنة؛ فإن مدّرتهم قد علمهم جيداً!

١٥٧٨- انتخب حرفاً يكمل معنى جملة ما قبلها ويرفع الإبهام عنها:

- (١) كأن إرضاء الناس غاية لا تدرك!
- (٢) ليت صديقي ينجح في المسابقة!
- (٣) ﴿فهذا يوم البعث ولكم لا تعلمون﴾
- (٤) ﴿لا علم لنا إلا ما علمتنا﴾

١٥٧٩- ميز «لا» النافية للجنس:

- (١) ألا عندكم دروس تحتاج إلى الاستذكار!
- (٢) لا أعلم أنّ والدي وصل إلى البيت أم لا!
- (٣) إني أعرف جيداً أنه لا ربح مع الظلم!
- (٤) أقيم ألا أقول إلا الحقيقة، فصدقوني!

١٥٨٠- عيّن العبارة التي جاء فيها من الحروف المشبهة بالفعل:

- (١) البرد كان شديداً جداً و الثلج يتساقط!
- (٢) إن تشاهد مكانة العلماء تعزم على تعلّم العلوم و التقدم فيها!
- (٣) لا تغضب فإن الغضب مفسدة!
- (٤) رأيت الطفلة جالسة جنب أمها!

١٥٨١- في أي عبارة تجد الحروف المشبهة بالفعل أكثر من واحد؟

- (١) إن نعمة العافية أفضل النعم لكنها لا تعرف قدرها إلا بعد أن تفقدا!
- (٢) ليتني كنت قد تعلمت منك أن لا أحزن على كل أمر مكروه أو أوجهه!
- (٣) مفتاح الهدوء هو أن نعلم أنه لا أثر لرأي الآخرين في حياتنا اليومية!
- (٤) عيّن «لا» التي تنفي الجنس:

- (١) صديقي الحقيقي هو من يساعدي لا من يتركني لحالي!
- (٢) سلمت على جميع الحضار لا على شخص خاص!
- (٣) هذه المشكلة شائعة في مجتمعنا فلا حيلة لنا!
- (٤) هل تقدّر على حمل هذه البضاعة؟ لا!

١٥٨٢- أي حرف يربط الجملتين؟

- (١) و اعلموا أنّ الله سميع عليم!
- (٢) إن أخي كان نائماً طول الليل في غرفتي!
- (٣) ليتك تفتنمين الفرصة لتستفيدي أكثر منها!
- (٤) كأنك ما انتبهت إلى قصدي يا أختي!

١٥٨٣- عيّن الضحيح للفراغ حسب الترجمة: «لا أحسن من الصدق: هيج كارى نيكوتو از راستگويى وجود ندارد!»

- (١) عمل
- (٢) عمل
- (٣) العمل
- (٤) عمل

١٥٨٤- عيّن عبارة فيها النفي أشد:

- (١) ليس دين لمن ليس عهد له!
- (٢) لا يكون دين لمن لا يكون عهد له!
- (٣) لا دين لمن لا عهد له!
- (٤) لا يوجد دين في من لا يوجد عهد له!

١٥٨٥- انتخب جملة لا يدلّ مضمونها على حسرة المتكلم:

- (١) يا ليتني كنت تراباً!
- (٢) يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلاً!
- (٣) ليتك تنجح في امتحانك اليوم!
- (٤) ويل لي ليتني لم اتخذ فلاناً صديقاً!

١٥٨٦- عيّن ما يدلّ على التّعني:

- (١) ﴿كأنهن الباقوت والمرجان﴾
- (٢) ﴿إن الله لا يضع أجر المحسنين﴾
- (٣) ﴿ليتني ميت قبل هذا و كنت نسياً منسياً﴾
- (٤) ﴿إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون﴾

١٥٨٧- في أي عبارة يفيد الحرف معنى الرجاء؟

- (١) لعل الظلم يزول فالحكومة لا تبقى معه!
- (٢) ليت الشعوب الإسلامية تعيد هويتها الحقيقية!
- (٣) كأن صديقي يعرف السر ولكنه يكتمه!
- (٤) كنت أظن في نفسي أنك تعرف هؤلاء الرجال!

١٥٨٨- ما هو الخطأ في استعمال الحروف المشبهة بالفعل فيما يلي حسب المعنى:

- (١) أصبح لون وجه أخي محمراً مريض، ليراجع الطبيب: كأنه - لأنه!
- (٢) نحن لا نعرف ما يجري في المستقبل يا أولادي نفعنا ليه - لعلها!
- (٣) أنا متأكد ب كم تأخذون درجة النجاح إن تستمروا على سعيكم: أن - إن!
- (٤) كان ميلادنا يوم الأربعاء يا أصدقائي الأعزاء نسيتم: لكنكم - كأنكم!



١٥٩٠- ميز الخطأ في معاني الحروف المشبهة بالفعل:

- (١) كأن العلم نور: العلم كالنور!
 (٣) لعليّ أزورك اليوم: ربما أزورك اليوم!
 ١٥٩١- ميز الصحيح فيما يلي:

- (١) ابراهيم حاول إنقاذ قومه من الجهل: أن
 (٣) لم يسمع جدي كلامي؟ أذنيه لا تسمعان شيئاً: ليت

١٥٩٢- عين الخطأ في نوع «لا»:

- (١) ما بكن؟ لا تقرأن دروسكن كما أقرأ: التاهية!
 (٣) لا كبر في المؤمن: التافية للجنس!

١٥٩٣- عين الصحيح عن المحلّ الإعرابي:

- (١) قد حدثنا القرآن عن سيرة الأنبياء: فاعل - مجرور بحرف الجزر
 (٣) إن العرب كانوا في ضلال مبين قبل الإسلام: مبتدأ - صفة

١٥٩٤- عين الخطأ عن المحلّ الإعرابي:

- (١) ﴿رَبَّنَا وَلا تُحِثْنَا مَا لا طاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ مفعول به - اسم لـ «لا» التافية للجنس
 (٢) لا يرحم الله من لا يرحم الناس: فاعل - مفعول به
 (٣) لا فقر كالجهد فتعلموا ولا تموتوا جهالاً: خبر لـ «لا» التافية للجنس - فاعل
 (٤) ﴿وَلا تَسْتَوِ الأَئِمَّةُ بِدَعْوَةٍ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسْتَوِ اللهُ﴾ مفعول به - مفعول به

١٥٩٥- عين الصحيح عن قراءة «ان» في العبارة التالية: «ان المؤمن أمر ان لا يشرك بالله شيئاً فان أشرك فمأواه جهنم»

- (١) ان - أن - إن (٢) أن - إن - أن (٣) ان - إن - أن (٤) ان - أن - إن

١٥٩٦- عين الصحيح عن قراءة «ان» في العبارات التالية:

- (١) ان ترحم الناس فالله يرحمك: إن
 (٣) ان ارضاء جميع الناس غاية لا تدرك: إن

١٥٩٧- عين الخطأ عن قراءة «ان»:

- (١) لا تغضبوا فان الغضب له نتائج سيئة: إن
 (٣) أحب ان أسافر إلى كيش مرة أخرى: أن

١٥٩٨- عين الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي: ﴿إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص﴾

- (١) الله: لفظ الجلالة - معرّف بالعلمية - مفرد مذكر / اسم لـ «إن»
 (٣) يقاتلون: للثابتين - مبني للمعلوم - مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) / فعل و فاعل (٤) مرصوص: اسم - مفرد مذكر - نكرة - اسم فاعل / صفة

١٥٩٩- ﴿إن إبراهيم﴾ حاول أن يتخذ قومه من عبادة الأصنام! عين الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- (١) إبراهيم: اسم - مفرد مذكر - معرّف بالعلمية / اسم لـ «إن»
 (٣) يتخذ: للغائب - متعدّ - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «قوم»

١٦٠٠- «الحضارات التي عرفها الإنسان من خلال النقوش تؤكد اهتمام الإنسان بالدين!» عين الخطأ:

- (١) الحضارات: اسم - جمع سالم - معرفة / مبتدأ
 (٢) عرف: فعل ماضي - مجزئ ثلاثي - للغائب / فعل و فاعله ضمير «الهاء» و الجملة خبر

- (٣) تؤكد: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّ / فعل و فاعل

- (٤) اهتمام: اسم - جامد (مصدر) - مفرد مذكر / مفعول به

١٦٠١- «ليت ، من جميع النعم التي يودعها الله في الطبيعة!» عين الخطأ للفراغين: (زبان ٩٤)

- (١) لي - تنتفعين (٢) هنّ - تنتفعين (٣) المسلمات - ينتفعن (٤) المسلمين - ينتفعون

١٦٠٢- عين «لا» التافية للجنس: (انسان ٩٢)

- (١) الذي لا يعمل بجهد لن يرى النجاح في حياته!
 (٣) يجب أن نعترف بأنه لا نفع في مجالسة الجهال!

١٦٠٣- عين «لا» التافية للجنس:

- (١) ألا كل شيء غير الله باطل!
 (٣) هو و أسرته فقراء لا أغنيا!

(نهرى ٨٩)

- (٢) لا أعلم أنّ أخي هل نجح في الامتحان أم لا!

- (٤) لا عجب أنك نجحت، لأنك درست جيداً!

(رياضي ٨٤)

- (٢) قلت لزميلتي: لا شك في انتصار الحق!
(٤) أيها الغني! لا إنفاق الأموال إلا في سبيل الله!

(رياضي ٨٥)

- (٢) لا تطلبوا إلا أعمال الخير!
(٤) لم تقول ما لا تعلم، أيها الإنسان!

١٦٠٤- عيّن الصّحيح في «لاء النّافية للجنس»:

- (١) هذا شاعرٌ جليل لا تاجرٌ نشيط!
(٣) لا يذهب المؤمن إلى مجالس السوء!
١٦٠٥- عيّن «لاء النّافية للجنس»:
(١) اليوم لا طالبة في المدرسة!
(٣) أ لا تعلم أن الله على كل شيء محيط!

درك مطلب

النّص الأوّل

اقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:

(فارج از كشور ٩٧)

هناك فرق كبير بين البلاد الغنيّة و الفقيرة، ولكن على خلاف ما يتصوّر البعض فنحن نرى أنّ في هذه البلدان الفقيرة توجد مصادر طبيعيّة كثيرة، ولكن على رغم ذلك سكّانها لا يرون الهناء في حياتهم! فمن أسباب ذلك هو أنّها لا تهتمّ بالسّنة الإلهيّة، فلا تريد أن تلتفت إليها؛ فهذه سنّة قد جعلها الخالق للعالم بأنّ التقدّم لا يأتي جاهزاً من السماء، بل هو بحاجة إلى الكدّ و الجدّ و الحزم! فالدّول الغنيّة تستفيد ممّا أعطاه الله، فلا شك أنّها تتقدّم! و أمّا الفقيرة فإنّها تتوفّع كذلك لكنّها لا تعتمد على نفسها و لا تستفيد من طاقاتها، فتتخيّل أنّ الحياة القريحة تتحقّق بالتمنّيات فقط! كلاً، فقد جعل الله الاجتهاد و العمل باب الوصول إلى التقدّم، فهذه سنّة لا تتغيّر، فكلّ من عمل بها - مؤمناً كان أو كافراً - فهو يرى نتيجة جهده!

١٦٠٦- عيّن الصّحيح:

- (١) البلاد الفقيرة لا تتمتع بالمصادر الطبيعيّة!
(٣) في كثير من الأحيان تأخّر الدّول الفقيرة هو نتيجة فقر العقل!
١٦٠٧- عيّن الصّحيح للفراغ: «سنصبح من المتقدّمين إذا»
(١) حاولنا لرفع الفقر من بيننا! (٢) قمنا بازدياد مصادرنا الطبيعيّة!
١٦٠٨- عيّن الصّحيح للفراغ: «من محاسن البلدان المتقدّمة هي أنّها»
(١) أدركت و عملت بالقوانين التي جعلها الله في العالم!
(٢) تكثر المصادر و المنابع الطبيعيّة فيها!
(٣) تزيد الأمتيّات و التمنّيات فيها!
(٤) ليس الفقر في ما بينها!

١٦٠٩- عيّن الصّحيح عمّا يرتبط بمفهوم النّص:

- (١) من جدّ وجد! (٢) قيمة الإنسان ما يحسنه!
(٣) من صبر وصل!
(٤) إنّما من يتقي الله البطل!

عيّن الصّحيح في الإعراب و التحليل الضرفي:

١٦١٠- «يتصوّر»:

- (١) مضارع - للغائب - مجزّد ثلاثي - مبني للمعلوم / فاعله اسم ظاهر
(٢) للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّد / فاعله «البعض»
(٣) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعله «البعض» و الجملة فعلية
(٤) مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «البعض» و الجملة فعلية

١٦١١- «جاهزاً»:

- (١) جامد - نكرة / حال
(٢) اسم - مشتق و اسم فاعل - نكرة / مفعول مطلق
(٣) اسم - مفرد مذكّر - اسم مفعول / حال
(٤) مفرد مذكّر - مشتق و اسم فاعل / حال

النّص الثّاني

اقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:

(زبان ٩٦)

إنّ ثمرّة الأعمال لا تكون سهلة الوصول فلا تحصل إلا بالجدّ و الاجتهاد، و الرّغبات أيضاً لا تدرك إلا بالسعي و الإقدام، فهما يذللان كلّ صعب و يسهلان كلّ شاق! و هذه الآمال تبقى في عالم الأحلام حين لم يتخذ صاحبها معها الكدّ و الإقدام و العمل لتحقيقها! للإنسان الخياليّ الذي يقضي حياته غارقاً في أمانه فإنّه كقايض الزّيب لا يحصل إلا على الفشل! و أمّا الأمتة التي تحرص على أن تحيا حياة طيبة سعيدة فعليها أن تواجه حقائق الحياة بما تستحقّه من جدّ و استقامة، و إلا ستجد نفسها - حين تستيقظ من خمولها و أوهاهما - أنّها أصبحت لقمة لذيدة في فم الحوادث و الوقائع!

١٦١٢- ما هو أفضل طريق لتسهيل الضعوبات؟

- (١) إدراك الرّغبات و الاستقامة فيها!
(٢) الاجتناب عن الأمانى و الأحلام!
(٣) العمل و الجهد و المحاولة!
(٤) الحصول على الحياة الطّيبة و السعيدة!



١٦١٣- متى تلبس أحلامنا لباس الحقيقة؟

- (١) إذا أصبحنا كقباض الزياح في الحياة!
 (٢) حين إلتخذنا العمل والجّد منهجاً لحياتنا!
 (٣) حين قاومنا بطول الثمّنى والضمير والاستقامة فيها!
 (٤) إذا استيقظنا من نومنا ووجدنا أنفسنا لقمة في فم الظلمة!
 ١٦١٤- عيّن المناسب للفراغات: «من غرق في الحلوّة وهو يلعب بها في و جدّه، لا يحصل إلّا على»
 (١) أمانيه - هزله - الضياع (٢) أفكار - حياته - الفناء (٣) الآمال - سعيه - الموت (٤) مأكولات - عمله - المرض

١٦١٥- عيّن ما لا يناسب مفهوم النصّ:

- (١) و ما للمرء خير في حياته
 (٢) و اهجر النوم و حصله فمن
 (٣) حرام على من يريد انتصارا
 (٤) فطعم الموت في أمر حقير
 عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي.

١٦١٦- ويدرّلان:

- (١) للغائبين - مزيد ثلاثي (من باب تفاعل) - متعدّ / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 (٢) مزيد ثلاثي - مبني للمجهول / فاعله الضمير البارز، و الجملة فعلية
 (٣) مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعل
 (٤) فعل ماضي - متعدّ - مبني للمعلوم / فاعله ضمير مستتر

النص الثالث

اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

(٨٨ هـ)

لا شك أن قسماً من الموادّ الغذائيّة هو المسؤول الأوّل عن إصابة الإنسان بأمراض القلب، ولكننا يجب أن لا ننسى حقيقةً أخرى وهي أن لبعض الانفعالات و التأثيرات التي تخزّب هدوء الإنسان أيضاً نصيباً في الابتلاء بالأمراض القلبية! و في هذا المجال قد وجد العلماء أن بعض الحيوانات التي لا تتناول شيئاً من الأطعمة المضرة أصيبت بنوع من الأمراض الشريانية! و لذلك يعتقد الأطباء بما أن الدنيا ليست فارغة من المشكلات، فعلى الإنسان أن يراعي كيفية حياته حتّى لا يسيطر عليه الأياس و الكآبة و الضجر، فإنّها مهلكة أيضاً!

١٦١٧- عيّن الصحيح:

- (١) السبب الوحيد للموت يعود إلى المشكلات الغذائية!
 (٢) لا نجد إنساناً لا يواجه مشكلة في حياته!
 (٣) نستطيع أن نصنع حياة ليس فيها صعوبة و لا مصيبة!
 (٤) لا شعور للحيوانات فلا تؤثر عليها العواطف!

١٦١٨- على حسب النصّ:

- (١) الحالات النفسية تقتل الإنسان أكثر من العوامل الأخرى!
 (٢) الصعوبات جزء من وجود الإنسان، فإنّها لا تأتي من الخارج!
 (٣) الجميع يرون أن القلب و أمراضه هو السبب الوحيد لهلاك الإنسان و الحيوان!
 (٤) الطريق الصحيح هو عدم الاقتراب من أمور تخزّب معنويّات الإنسان و حياته!

١٦١٩- «..... بأسباب الموت يسبّب أن لا بأمر تقتل جماعات! عيّن الصحيح للفراغات:

- (١) يجهل - نفكر - في يوم (٢) الجاهل - نعترف - الأيام (٣) الجهل - نهتمّ - كلّ يوم (٤) الجهالة - نعرف - اليوم

١٦٢٠- ماذا نستنتج من النصّ؟

- (١) يجب أن لا نتناول من الأطعمة المضرة!
 (٢) من لم تبتعد عنه المشكلات فيقترب من الموت!
 (٣) على الإنسان أن يتعوّد على قبول المصائب!
 (٤) يجب أن لا نسمح بسيطرة الحالات المضرة علينا!
 عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي.

١٦٢١- «تخزّب»:

- (١) للغاية - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - متعدّ - مبني للمعلوم / فعل و فاعل
 (٢) فعل مضارع - مبني للمعلوم / فاعله ضمير «أنت» المستتر، و الجملة فعلية
 (٣) مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي - لازم / فعل و فاعله «هدوء» و الجملة فعلية
 (٤) مزيد ثلاثي (من باب تفاعل) - متعدّ - مبني للمجهول / فعل و فاعل و الجملة فعلية

١٦٢٢- «الفضرة»:

- (١) اسم - معرّف بأل / نعت للمنعوت «الأطعمة»
 (٢) مفرد مؤنث - معرّف بأل / مضاف إليه
 (٣) مشتق و اسم فاعل (مصدره: إضرار) / مفعول مطلق لبيان النوع
 (٤) مفرد مؤنث - مشتق و اسم مفعول (مصدره: ضرر) / مضاف إليه



۱۵۰۹- **گزینه ۴** جمع «کتف» (شانه، دوش) «الأكتاف» می‌شود نه «کتوف». در گزینه‌های دیگر به ترتیب: «عظام» جمع «عظم» (استخوان)، «حظوظ» جمع «حظ» (بخت، شانس)، و «أناشید» جمع «أنشودة» (سرود)، درست هستند.

۱۵۱۰- **گزینه ۲** «الابتماد» و «تَجْتَب» هر دو به معنای «دوری کردن، خودداری کردن» و مترادف‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ کأس (کاسه، جام) و فأس (تیر) مترادف نیستند.
- ۳ الشّعائر (مراسم) و أحاسيس (احساس‌ها) مترادف نیستند.
- ۴ مفرد الأصنام (بت‌ها)، «الصنم» می‌شود نه «أصنم».

۱۵۱۱- **گزینه ۲** توضیح ارائه‌شده فقط در ۲ درست است: «یکتاپرست، کسی است که پرستش خدایی جز الله را نمی‌پذیرد!» بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «بت، بر نوعی از نوشیدنی‌ها اطلاق می‌شود که نوشیدنش در اسلام حرام شده است!» این توضیح، مناسب «الخمر» (باده) است.
- ۳ «شادمانی، توضیح‌دادن جزئیات موضوعی با دقت است!» این توضیح، مناسب «شرح» (توضیح‌دادن) است. / «بخت، سرانجام انسان در زندگی‌اش است، یا خیر و یا شزا» این توضیح، مناسب «القدر» (تقدیر) یا «المصیر» (سرنوشت) است.
- ۴ شانس، عاقبت انسان، چه شرّ چه خیر در زندگی‌اش است. (توضیح مناسب «مصیر: سرنوشت» است).

۱۵۱۲- **گزینه ۴** برای تکمیل جاهای خالی، فقط ۴ صحیح است: «آیا برای رسیدن به اهداف بزرگ، راهی تلاش می‌شناسی؟!»: به‌جز بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ تندیس‌هایی از سنگ یا چوب یا آهن هستند که به جای خدا پرستیده می‌شوند! «الأصنام» (بت‌ها) مناسب است نه «النقوش» (کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها).
- ۲ «خداوند بر هیچ کس، آن‌چه را که توانش را ندارد!» «لا يَحْمِلُ» (تحمیل نمی‌کند) مناسب است نه «لا يَحْمِلُ» (حمل نمی‌کند).
- ۳ «در روز انسان به طور دقیق حسابرسی می‌شود!» «البعث» (رستاخیز) مناسب است نه «العتب» (بیهوده).

۱۵۱۳- **گزینه ۱** برای تکمیل جاهای خالی، فقط ۱ صحیح است: «در جهان، نشانه‌های بسیاری بر وجود خالق دلالت دارند؛ امید است که ما خردورزی کنیم!»

- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲ «خدا، از ما در برابر بدی‌های حوادثی که بر ما!»: «أبر» (روشن کن) غلط است، درست: «احم» (نگهداری کن) / «تهجّم» (هجوم می‌آورد) درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «جدایی» و «نمی‌دانید» غلط‌اند.
 ۲ «امروز» برای «هَذَا» (این) نادرست است / «حال آن‌که» و «نمی‌دانید» غلط‌اند.

۳ «روز» (اولی) زائد است / «که» غلط است.

۱۵۱۹- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: لَيْتَ (کاش) / لَيْتِي يَدْرِكُوا (تا دریا بند) پس از «لَيْتَ»، فعل مضارع به صورت التزامی ترجمه می‌شود: «لَيْتَ ... يتفكرون»: کاش ... بیندیشند.

در تشخیص موصوف و صفت باید توجه کنیم که این دو از نظر جنس با هم مطابق‌اند؛ مثلاً در «قدرة خالقهم العظيمة»، «العظيمة» چون مؤنث است، صفت «قدرة» (مؤنث) است نه «خالق» (مذکر).

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «شاید» معادل «لَعَلَّ» است نه «لَيْتَ» / «بتوانند» زائد است / «قدرت خالق بزرگشان» نادرست است (قدرت عظیم خالقشان)
 ۲ «امید است» (مانند ۱) / «فراوان» ترجمه دقیقی برای «العظيمة» (بزرگ) نیست / ضمیر «هُم» در «خالقهم» ترجمه نشده.
 ۳ «با اندیشه» برای فعل «يتفكرون» درست نیست / «قدرت خالق بزرگ خود» (مانند ۱)

۱۵۲۰- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: یا لَيْتَ (ای کاش) / قد أرسلَ (فرستاده است): ماضی نقلی / لِيَبْتِنُوا (تا آشکار سازند)
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «درک کرده باشد» غلط است، چون فعل مضارع پس از «لَيْتَ» التزامی ترجمه می‌شود (درک کند) / ضمیر «ه» در «أنبیائه» ترجمه نشده / «فرستاد» نادرست است / «دستیابی» غلط است (رسیدن).
 ۲ «امید است» غلط است / ضمیر «ه» در «أنبیائه» ترجمه نشده / «راه ... آشکار شود» فعل متعدی را به صورت لازم ترجمه کرده که نادرست است / «دستیابی» (مانند ۱)
 ۳ «شاید» (مانند ۲) / «پیامبران خدا فرستاده شده‌اند» فعل متعدی را به صورت لازم ترجمه کرده که نادرست است / «او را راهنمایی کنند» نادرست است (برایش آشکار سازند).

۱۵۲۱- [گزینه ۴] ترجمه کلمات مهم: الرغبة في (تمایل به) / لَكُنْ (اما، ولی) / آن تُرشد (که راهنمایی شود): فعل مجهول
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «و» معادل «لَكُنْ» نیست / «به درستی به راهش» غلط است (به راه درستش).
 ۲ «خصلت‌های فطرت» ترکیب اضافی است، اما «الخصائص الفطرية» (خصلت‌های فطری) ترکیب وصفی است / «او را به ... رهنمون کنند» فعل مجهول را به صورت معلوم ترجمه کرده.
 ۳ «روی آوردن» غلط است (تمایل) / «ویژگی‌های فطرت» (مانند ۲) / «به راهش به درستی» (مانند ۱)

۱۵۲۲- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: النقوش (کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها) / شعائر خرافية (مراسم خرافاتی) / لا توافق (سازگار نیستند) در این‌جا به صورت جمع
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «عبادت‌ها» معادل «شعائر» نیست / «تناسب نداشته‌اند» ماضی نقلی و غلط است.
 ۲ «تندیس‌ها» برای «النقوش» نادرست است / «اکتشافی» معادل «المكتشفة» (کشف‌شده) نیست / «عبادت‌ها» (مانند ۱)

۳ «پزشک در نسخه ... گرانی نوشت و بر خوردنش در زمان تأکید کرده» «ه» (بیماری) غلط است، درست: «ذواء» (دارو) / «المُحَدَّه» (مشخص‌شده) درست است.

۴ «دانش‌آموزان به خواندن ... زیبایی در ... بزرگداشت استادان پرداختند» «شعائر» (مراسم) غلط است، درست: «أنشودة» (سرود) / «خفلة» (چشمن) درست است.

۱۵۱۴- [گزینه ۳] برای تکمیل جای خالی، ۳ غلط است: زلزله خانه‌های این روستا را ویران کرد؛ زیرا آن‌ها استوار بودند؛ «ضعيفة» (ضعیف) مناسب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «بی‌گمان خشم، مایه تباهی است، پس وقتی خشمگین می‌شوید، تصمیم مهمی نگیرید»
 ۲ «بی‌گمان خداوند برآورنده درخواست‌ها است، پس نیازهایتان را از او بخواهید»

۳ «این جهان بیهوده آفریده نشده، هیچ شکی در آن نیست»

۱۵۱۵- [گزینه ۱] برای تکمیل جای خالی، فقط ۱ درست است: «سربازان ما با دلیری از میهن دفاع می‌کنند، گویی آن‌ها بنایی استوار هستند»
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲ «من ... داشتم، پس پزشک برایم قرص‌های آرام‌بخش تجویز کرد»؛ «صداع» (سردرد) مناسب است نه «صراع» (نبرد).
 ۳ «ابراهیم ... در معبد، همه بت‌ها را به‌جز یکی از آن‌ها ...»؛ «گتزر» (شکاف) مناسب است نه «انگتزر» (شکسته شد).
 ۴ «... دانشمندان ایرانی روبه‌روی سازمان ملل متحد گذاشته شد»؛ «تماتیل» (مجسمه‌ها، تندیس‌ها) مناسب است، نه «نقوش» (کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها).

۱۵۱۶- [گزینه ۱] براساس ۱ جمله، به درستی کامل می‌شود: «إنَّ إِبْرَاهِيمَ ... كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ إِلَّا الْأَكْبَرُ مِنْهَا ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْفَعْبَتَاءَ: اِبْرَاهِيمَ ... هَمَّةٌ بَتَّهَا رَا شَكْسَتْ بِهَجَزٍ بَزْرَگْ تَرِنِشَان رَا، سِيس تَبِر رَا بِر شَانَهْ اَن اَوِيخْت وَ مَعْبَد رَا تَرَك كَرْدَا»
 بررسی گزینه‌ها:

زیر کلماتی که مناسب نیستند، خط کشیده شده؛ با ۱ مقایسه کنید:

- ۱ شکست - بت‌ها - آویخت - تبر - شانه
 ۲ شکسته شد - بت‌ها - قرار داد - کاسه - دست
 ۳ ویران کرد - مراسم - آویخت - تبر - چشم
 ۴ ویران شد - مراسم - گذاشت - کاسه - شانه

۱۵۱۷- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: كَأَنَّ: گویی / ضَفَاً (صاف‌صاف) در این‌جا / بنیان مرصوص (بنایی استوار)
 بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «دوستدار است» غلط است؛ زیرا «يُحِبُّ» (دوست دارد) فعل است / «زیرا آن‌ها شبیه به ... برای «کائهم» (گویی آن‌ها ...) درست نیست / «بناها» جمع و غلط است.

۳ «می‌جنگیدند» ماضی استمراری و غلط است / «دوست داشت» ماضی است، اما «يُحِبُّ» مضارع / «آن‌ها شبیه بودند» (مانند ۱)

۴ «جنگندگان» غلط است؛ زیرا «يُقَاتِلُونَ» (می‌جنگند) فعل است / «ضَفَاً» ترجمه نشده / «بوده‌اند» غلط است؛ زیرا در آیه اصلاً فعل ماضی وجود ندارد.

۱۵۱۸- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: البعث (رستاخیز) / لَكُنْ (ولی) / كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ (نمی‌دانستید): ماضی استمراری منفی



۱۵۲۲- **کوبه ۴** ترجمه کلمات مهم: طَهَّرَ (پاک کرد) / المرّة الأخيرة (آخرین بار)

«آخر» به عنوان اسم فاعل، یعنی «آخر» و «آخر» به عنوان اسم تفضیل یعنی «دیگری».

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «دیگر شخصی که» غلط است (آخرین کسی که) / «رفت» معادل «جلس» (نشست) نیست.

۲ «است» نادرست است: (کان = بود) / «تطهیر شد» فعل متعدی را به صورت لازم ترجمه کرده / «بمنها» ترجمه نشده.

۳ «شخص دیگری که» (مانند ۱) / «الذی» (که) ترجمه نشده / «للمرة الأخيرة» ترجمه نشده / «خالی کرد» نادرست است.

۱۵۲۸- **کوبه ۳** ترجمه کلمات مهم: قَوَّزَ (تصمیم گرفتند): در آغاز جمله برای فاعل جمع / أن یَحْرَقُوا (که بسوزانند) / أشعلوا (برافروختند) پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «برافروخته شد» فعل متعدی (أشعلوا) را لازم ترجمه کرده / «بود» غلط است (أصبحت: شد)

۲ «سوزانده شود» فعل مجهول است، ولی «أن یَحْرَقُوا» معلوم است / «تا» غلط است (و) / «بیفکنند» مضارع است، ولی «ألقوا» (افکندند) ماضی است.

۳ «آتش» باید نکره باشد / «تا» غلط است / «بسوزد» فعل متعدی (أن یَحْرَقُوا) را لازم ترجمه کرده / «بود» (مانند ۱)

۱۵۲۹- **کوبه ۴** ترجمه کلمات مهم: لم یکن یریدُ (نمی‌خواست): ماضی استمراری منفی / أن یَسْتَهْزِئَ بِ... (که ... را مسخره کند) / إنمّا یقصدُ أن (فقط می‌خواست که) / أن یَحْرَکَ (که تکان دهد)

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «تکان بخورد» فعل متعدی (یَحْرَکَ) را لازم ترجمه کرده.

۲ «خواست ... این نبوده» نادرست است / «تحریک شود» (مانند ۱)

۳ «نباید بخواهد» و «باید قصد کند» غلطاند / «که» معادل «لعل» (شاید)، امید که) نیست.

۱۵۳۰- **کوبه ۱** ترجمه کلمات مهم: مَكْشَرَةٌ (شکسته‌شده): اسم مفعول / فأس (تبری) / مَعْلَقٌ (آویخته) / عَنَقٌ (گردن)

«لثاء» قبل از فعل ماضی، یعنی «وقتی، هنگامی»

پورسی سایر گزینه‌ها:

۲ «شکسته شده‌اند» فعل، امّا «مَكْشَرَةٌ» اسم مفعول است / «شانه» معادل «عَنَق» نیست / «مَعْلَقًا» ترجمه نشده.

۳ «شکسته شده‌اند» (مانند ۲) / «بزرگ‌تر» نادرست است (بزرگ) / «دوش» (مانند ۲)

۴ «آمدند» غلط است (برگشتند) / «بزرگ‌ترین بت‌ها» غلط است (بت بزرگ) / «قرار داده شده» معادل «مَعْلَقًا» نیست.

۱۵۳۱- **کوبه ۳** ترجمه کلمات مهم: أن تصیرَ (که شود) / کَانَ (گويا، انگار) / لم تَکُنْ لَها (نداشته): ماضی منفی / صَارَ (شد)

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «کان» ترجمه نشده / «ندارد» باید ماضی شود (نداشته)

۲ «به ... تبدیل شود» نادرست است / «هیج» معادل «ابدأ» نیست (هیج‌گاه، هرگز). «ما اراد» یعنی «آن چه خواست» نه «اراده» / «انجام» زائد است.

۴ «امر این بود» غلط است (امر کرد) / «تبدیل شود» (مانند ۲) / «ابدأ» ترجمه نشده / «انجام» زائد است.

۱۵۲۳- **کوبه ۲** ترجمه کلمات مهم: لم یَتَرَکْ (وانگذاشته، رها نکرده): ماضی منفی / حتی یبقوا (تا بمانند) / «أبی صراط» (هر راهی)

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «ترک نمی‌کند» مضارع و غلط است / «که» معادل «حتی» نیست / «دارد» غلط است، باید «است» بیاید.

۳ ضمیر در «عباده» ترجمه نشده / «که» (مانند ۱) / «نادان بمانند» نادرست است / «یحسبوا أن» (بپندارند که ...) درست ترجمه نشده.

۴ «رها نمی‌کند» (مانند ۱) / «نادان بمانند» (مانند ۳) / «تا» (دومی) غلط است (و) / «پندارند» منفی و نادرست است / «دارد» (مانند ۱)

۱۵۲۴- **کوبه ۳** ترجمه کلمات مهم: لعل (شاید، امید است) / یَعُدُّ (به شمار رود): بعد از «لعل» به صورت التزامی ترجمه می‌شود.

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «قربانی» مفرد است، امّا «قربان» جمع / «شعارها» معادل «شعائر» (مراسم) نیست / ترکیب «إزاداً اهتمام الناس» (توجه مردم زیاد شده) درست ترجمه نشده.

۲ «قطعاً» معادل «لعل» نیست / «به شمار می‌آید» بعد از «لعل» باید به صورت التزامی باشد / «آن‌ها» جمع است، امّا ضمیر در «بها» مفرد است.

۳ «احتمالاً» نادرست است / «مراسم ادیان» ترکیب اضافی است و غلط است (مراسم دینی) / «شمرده می‌شود» (مانند ۲) / «و» معادل «التي» (که) نیست.

۱۵۲۵- **کوبه ۴** ترجمه کلمات مهم: إذا (هرگاه، اگر) / سیرة (سرگذشت، سیره) / إنقاذ (نجات‌دادن)

«وقتی فعل شرط و فعل جواب شرط هر دو ماضی‌اند، می‌توان هر دو را ماضی ترجمه کرد یا اولی را مضارع التزامی و دومی را مضارع ساده: «إذا قرأنا أدرکنا: «هرگاه خواندیم، دریافتیم»، «هرگاه بخوانیم درمی‌یابیم». البته روش دوم رایج‌تر است.

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «داستان‌های قرآنی» ترکیب وصفی و نادرست است (داستان‌های قرآن) / «خواننده باشیم» غلط است؛ زیرا فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (بخوانیم) / «نادانی» نادرست است.

۲ اسلوب «برای این بوده که ...» غلط است / ضمیر در «جهلهم» ترجمه نشده.

۳ «وقتی» برای «إذا» درست نیست / «قصه‌های قرآنی» (مانند ۱) / «برای این بوده که ...» غلط است.

۱۵۲۶- **کوبه ۳** ترجمه کلمات مهم: کان یصنع (می‌ساخته است): ماضی استمراری / تماثیل (مجسمه‌ها، تندیس‌ها)

پورسی سایر گزینه‌ها:

۱ «حیرت‌انگیز» نادرست است / «انسانی» باید معرفه باشد (انسان) / «دست» مفرد است، امّا «آیدی» جمع / «تندیس» مفرد است، امّا «تماثیل» جمع / «بسازد» غلط است / «آن» در اشاره به «تماثیل» باید جمع بیاید (آن‌ها) / «خدایی» مفرد است، امّا «آلهة» جمع / چون «یظن» به «کان یصنع» وصل شده، مثل آن ماضی استمراری ترجمه می‌شود (می‌پنداشته) / «و» را بپرستد» فعل مجهول «یعبُد» را معلوم ترجمه کرده.

۲ «برایت» زائد است / «و» معادل «ثم» (سپس) نیست / «آن‌ها را بپرستد» (مانند ۱)

۴ «انسانی» (مانند ۱) / «تماثیل‌ها» باید نکره باشد / «دست» (مانند ۱) / «بسازد» و «بپندارد» (مانند ۱)

۱۵۳۶- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: جِزَاة (تمدن) / كَانْ لَهَا ... (داشت) كَانْ (گویا، انگار) / وَذْ (به دنیا آورد، زاید)

در ترجمه «لای» نفی جنس، از اسلوب «هیچ ... نیست» استفاده می‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) بخش آخر جمله، روابط واژه‌ها را غلط ترجمه کرده (گویی دین، تمدن‌ها را به دنیا آورده).

۲) «هیچ یک» غلط است (هیچ تمدنی) / «نبوده» ماضی و نادرست است (نیست) / «چپسا» معادل «کأن» نیست (گویا) / «بوده» درست نیست (است).

۳) «لای» نفی جنس درست ترجمه نشده (هیچ ... نیست) / «دین» باید نکره شود / «پس قطعاً» برای «کأن» غلط است / «به وجود آورده» غلط است.

۱۵۳۷- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: قَدْ قِيلَ (گفته شده): ماضی نقلی مجهول / لَا يُعْفَرُ (آمزیده نمی‌شود): فعل مجهول / فَلْيَجْتَنِبْ (پس باید اجتناب کند: ف + لام امر غایب + مضارع) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «گفته خواهد شد» مستقبل و غلط است / «نابخشودنی است» ترجمه دقیقی برای فعل «لَا يُعْفَرُ» نیست.

۲) «گفته می‌شود» مضارع و غلط است / «آمزشی ندارد» (مانند ۱) / «دوری می‌کند» لام امر را ترجمه نکرده و غلط است.

۳) «چون» زائد است / «نابخشودنی است» (مانند ۱) / «ف» ترجمه نشده.

۱۵۳۸- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: لَمْ يَقْتَرِنِ (همراه نشده): ماضی منفی / اعْمَلُوا (عمل کنید) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «همراه نباشد» برای زمان حال و غلط است / «عمل‌کننده باشید» معادل فعل امر «اعْمَلُوا» نیست.

۳) «آن» زائد است / «مقترن نگردد» (مانند ۲) / «لای» نفی جنس ترجمه نشده / «هر» زائد است.

۴) اسلوب جمله شرطی این‌جا بی‌مورد است / «فراگرفته‌اید» ماضی، اما معادل «تَتَعَمَّنُونَ» مضارع است.

۱۵۳۹- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: أَلَا (بدان، آگاه‌باش) / يَطْمَئِنُّ (اطمینان می‌یابد، آرامش می‌یابد) / يَجْعَلُ (قرار می‌دهد) / التَّوْفِيقَ (موفقیت) / حَظَّ (بخش، شانس) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «مطمئن می‌سازد» فعل لازم را متعدی ترجمه کرده / «ب» ترجمه نشده / ضمیر در «حیاتک» ترجمه نشده.

۳) «و ذکر او» در جای درست نیامده؛ باید به جای «او» (دومی) بیاید.

۴) «لای» ترجمه نشده / ضمیر در «قلیک» ترجمه نشده / «آرامش می‌دهد» (مانند ۲) / «تو را از توفیق بهره‌مند می‌کند» غلط است، ضمیر در «حیاتک» ترجمه نشده است.

۱۵۴۰- [گزینه ۴] ترجمه کلمات مهم: أُنِرْ (روشن کن) / إِحْمِ (نگهداری کن) / إِمْلَأْ (پُر کن، آکنده ساز) / إِنْشِرَاحَ (شادی، شادمانی) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «السَّلام» معنای «سلامتی» نمی‌دهد / «شَرَّ» مفرد است، اما «شورو» جمع / ضمیر «ت» در «دنیايت» زائد است.

۲) «بهره‌مند کن» غلط است / «رویدادهای بد» برای «شورور الحادئات» دقیق نیست (بدی‌های حوادث) / «شاد کن» غلط است (از شادی پُر کن).

۳) «اسلام» غلط است (صلح).

۱۵۳۲- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: لَا يُطَلَّبُ (خواستگاره نشود): فعل مجهول / إِنَّمَا (فقط)

«كُلُّ» قبل از اسم نکره معنای «هر» می‌دهد: «كُلُّ عَقِيدَةٍ» (هر عقیده‌ای). در ترجمه «لای» نفی جنس، از اسلوب «هیچ ... نیست» استفاده می‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «طلب نمی‌کند» فعل مجهول را معلوم ترجمه کرده / «لای» نفی جنس، ترجمه نشده (هیچ ...)

۳) «همه» نادرست است / «ایده‌ها» جمع و غلط است (فعل‌های جمع پس از آن نیز نادرست‌اند) / «قطعاً» برای «إِنَّمَا» غلط است.

۴) «به ... ختم نشود» غلط است / «لای» (مانند ۱) / «نمی‌یابی» غلط است.

۱۵۳۳- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: إِنْتَهَتْ (تمام شد) / سَيَتَنَفَّذُ (اجرا خواهد شد): فعل مستقبل مجهول

ترکیبی، مثل «بنداً ... یتهانشون» دو جور ترجمه می‌شود: «شروع کردند پی‌پیچ کنند»، «شروع به پی‌پیچ کردند» بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «اجرا خواهند کرد» فعل مجهول را معلوم ترجمه کرده / «حرف‌زدن» غلط است (پی‌پیچ کردن)

۳) «به پایانش نزدیک شده» غلط است / «در» زائد است / «حرف‌زدن» را شروع کردند» نادرست است.

۴) «اجرا می‌کنند» فعل مستقبل مجهول را به فعل مضارع معلوم ترجمه کرده / «پی‌پیچ می‌کردند» غلط است.

۱۵۳۴- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: يَجِيبُ (برآورده می‌سازد، اجابت می‌کند) / يُعِينُ (کمک می‌کند)

فعل مضارع بعد از «لَيْتَ» به صورت التزامی ترجمه می‌شود: «لَيْتَكَ لَا تَشْكُ»: کَلَشْ تو شک نکنی.

اسم تفضیل وقتی اضافه شود، معنای صفت برترین می‌دهد: خَيْرَ نَتِيجَةٍ: بهترین نتیجه.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «شکمی نداشته باشی» و «می‌شنود» و «نتیجه خیر» غلط هستند.

۳) «امید است که» معادل «لَعَلَّ» است نه «لَيْتَ» (کاش) / «فی» ترجمه نشده / «درخواست» مفرد و نادرست است (درخواست‌ها) / ضمیر در «واجباتک» ترجمه نشده / «به دست آوری» غلط است (برسی).

۴) «امید است» (مانند ۳) / «شک نداشته باشی» و «می‌شنود» غلط است / «آدم»، یعنی «انجام» و نه «پرداختن به» / «در نتیجه به خیر» نادرست است.

۱۵۳۵- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: تَحْمَلُ (تحمیل می‌کند، وامی‌دارد) / مَفْسَدَةٌ (مایه تباهی) / يُضَيِّعُ (تباہ می‌کند، از بین می‌برد)

فعل مضارع بعد از «لَعَلَّ» به صورت التزامی ترجمه می‌شود: «لَعَلَّكَ لَا تَتَّبِعَ»: امید است دنبال نکنی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «تبعیت می‌کنی» اولاً باید منفی شود و ثانیاً باید التزامی شود (تبعیت نکنی) / «است» برای «يُضَيِّعُ» غلط است (می‌شود) / «کرده است» غلط است (می‌کند).

۳) «حال آن‌که» غلط است: جمله «يُضَيِّعُ ...» بعد از اسم نکره «عمل» جمله وصفیه است که در ترجمه میانشان «که» می‌آید / «است» (مانند ۲) / ضمیر در «راحتک» ترجمه نشده / «از تو می‌گیرد» غلط است.

۴) «چپسا» غلط است / «تبعیت کنی» باید منفی شود / «فساد» برای «مفسدة» دقیق نیست / «آرامش را از تو» غلط است (آرامش را) / «سلب خواهد کرد» نادرست است.



۱۵۴۱- **گزینه ۲** فقط ترجمه ۲ صحیح است: «لا یَحْزَنُ» (نباید ناراحت کند): لای نهی غایب + مضارع / با توجه به رابطه معنایی میان دو جمله، (دومی دلیلی برای اولی)، «أَنْ» را می‌توان این‌جا «زیرا» ترجمه کرد.

ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

۱ «کسی که به وعده‌هایش عمل نمی‌کند، هیچ دینی ندارد»
 ۲ «رحم کنید تا مورد رحمت قرار بگیرید، چه خداوند رحمان، به رحم کنندگان رحم می‌کند»

۳ «از غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشده، نخورید»

۴ اسلوب «ارْحَمْ تَرْحَمْ» (فعل امر + فعل مضارعی که آخرش ساکن شده یا حرف نون از آخرش حذف شده) به این صورت ترجمه می‌شود: «فعل امر + تا + مضارع التزامی» (رحم کن تا مورد رحمت قرار گیری). مثال دیگر: «إِذْهَبْ تَهَبْ» (برو تا برسی) / «إِذْهَبُوا تَهَبُوا» (بروید تا برسید).

۱۵۴۲- **گزینه ۳** فقط ترجمه ۳ صحیح است: «صَيَّرَ النَّازِ أَمْنًا» (آتش را امن گرداند).

ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

۱ «وقتی ندادنده به سوی نماز ندا می‌دهد، به سوی آن بشتابید»
 ۲ «هرگز از کسانی نباش که می‌گویند، ولی عمل نمی‌کنند»: «لا تَكُونَنَّ» (هرگز نباش) / «مِثْنُ» (مین + من)
 ۳ «از خرد به دور است که آدمی روزهایش را بیهوده تیه کند»

۱۵۴۳- **گزینه ۴** فقط ترجمه ۴ صحیح است: «يَضَعُهَا» (آن‌ها را می‌گذارد).

ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

۱ «وقتی برای نماز ندا داده می‌شود، به یاد خدا روی آورید»: «أَقْبِعُوا وَجُوهَكُمْ لـ...» (به ... روی آورید)
 ۲ «کردار پیامبران، فقط درس زندگی به ما می‌آموزد»: «إِنَّمَا» را در ساختار جمله باید با استفاده از «فقط، تنها» ترجمه کرد.

۳ «به مردم رحم کن تا خداوند به تو رحم کند و از ارحمندان قرارت دهد»: «ارْحَمْ يَرْحَمْكَ» (رحم کن تا به تو رحم کند).

۱۵۴۴- **گزینه ۲** حرف «أَنْ» میان دو جمله می‌آید و آن‌ها را به هم وصل می‌کند، مثل حرف «که» در فارسی: «تجربه نشان داده که قناعت، ما را از مردم بی‌نیاز می‌سازد» بقیه گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۱۵۴۵- **گزینه ۳** در ترجمه «لَا هِيَ نَفِي جِنْسٍ، لَوْلَا» از «هیچ» استفاده می‌کنیم، ثانیاً اسم آن را نکره ترجمه می‌کنیم: «کسی که از تجربه‌های قبلی‌اش استفاده نمی‌کند، هیچ خردی ندارد» بقیه گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۱۵۴۶- **گزینه ۳** بعد از «لَا هِيَ نَفِي جِنْسٍ، همیشه یک اسم می‌آید، پس در «لَا مِثْلَ الدَّهْبِ» که بعد از «لَا»، حرف جز آمده، «لَا هِيَ نَفِي جِنْسٍ نیست: «انسان فقط از گل است، و نه از طلا، شاید بیندیشد» بقیه گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۱۵۴۷- **گزینه ۳** در ترجمه عبارت‌ها، در مجموع پنج غلط وجود دارد:

الف) اگر در روز رستاخیز از کافران پرسیده شود آن‌چه به غیر خدا فرامی‌خواندید کجاست؟ هیچ پاسخی ندارند! (دو غلط) «كُنْتُمْ تَدْعُونَ» ترکیب «کان + فعل مضارع» است و برابر با ماضی استمراری / «لَا هِيَ نَفِي جِنْسٍ نیز درست ترجمه نشده.

ب) اگر گفته شود (گفته شد) که رفتار درست نیست، ناراحت نشو، زیرا سخن کسی که نصیحتت می‌کند، نباید تو را ناراحت کند! (دو غلط) «قِيلَ» فعل ماضی مجهول است (گفته شد)، که چون این‌جا فعل شرط شده، می‌تواند مضارع التزامی (یا ماضی) ترجمه شود / «لَا يَحْزَنُ» ترکیب «لَا هِيَ نَفِي غَايِبٍ + فعل مضارع» است که این‌گونه ترجمه می‌شود: «نباید + مضارع مثبت التزامی» (نباید ناراحت کند).

ج) ای کاش مردم می‌دانستند (دانسته بودند) که ...! (یک غلط) بعد از «لَيْتَ»، فعل ماضی را می‌توان ماضی استمراری (یا ماضی بعید) ترجمه کرد.

۱۵۴۸- **گزینه ۳** در ترجمه عبارت‌ها، در مجموع پنج غلط وجود دارد:
 الف) بی‌گمان خداوند پاداش سربازان ما را که صف‌درصف در راه او می‌جنگند، تیه نخواهد کرد! (دو غلط) «صَفًّا» در ساختار این جمله یعنی «صف‌درصف»، «صَفَّ كَشِيده» / «لَنْ + فعل مضارع» = مستقبل منفی.

ب) سختی‌ها نشان خواهند داد که کسانی که وطن را دوست دارند با کسانی که آن را دوست ندارند، برابر نیستند! (دو غلط) «س + فعل مضارع» = فعل مستقبل - ضمیر در «وطنشان» زائد است.

ج) ارتش ما همانند بنایی استوار است که دشمنان، هیچ امیدی ندارند که از آن عبور کنند! (یک غلط) «لَا هِيَ نَفِي جِنْسٍ، درست ترجمه نشده. توجه کنید که «كَأَنَّ» را می‌توان به صورت حرف تشبیه ترجمه کرد؛ مثل این‌جا که به «همانند» ترجمه شده و درست است.

۱۵۴۹- **گزینه ۲** ترجمه کلمات مهم: الأمثال (مثل‌ها) / تَعَلَّ (شاید، امید است که) / يَتَذَكَّرُونَ (یادآور شوند). بعد از «تَعَلَّ» به صورت مضارع التزامی بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «مثل‌هایی» نکره است، اما «الأمثال» معرفه / «پند بگیرند» برای «يَتَذَكَّرُونَ» نادرست است.

۲ «مثلی» مفرد و نکره است، اما «الأمثال» جمع و معرفه / «زده است» ماضی است، اما «يَضْرِبُ» مضارع (می‌زند) / «متنبه شوند» (مانند ۱)

۳ «مثلی»، «زده است»، «عبرت بگیرند» (مانند ۳)

۴ صرفاً با توجه به ترجمه «الأمثال» (مثل‌ها)، می‌توان گزینه پاسخ را یافت! ۱۵۵۰- **گزینه ۱** ترجمه کلمات مهم: قَد تَعَلَّمْتُ (یاد گرفته‌ام) / آن لا أَعْجَلُ (عجله نکنم) / مَعَاتِبَةٌ (سرزنش کردن) / تَعَلَّ (شاید، امید است) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «مرا فهمانده‌اند» برای «قَد تَعَلَّمْتُ» غلط است / ترکیب «نباید تعجیل کنم» نادرست است / «عیب‌جویی» معادل «مَعَاتِبَةٌ» نیست / «افراد» جمع است، اما «أَحَدٌ» مفرد / «گناهان» جمع است، اما «ذَنْبٌ» مفرد / «آن‌ها» (هر دو بار) غلط است، باید مفرد باشد (او).

۳ «فهمیده‌ام»، «عیب‌گیری»، «اشخاص» (مانند ۲) / «به خاطر گناه کردن» غلط است (برای گناهی که مرتکب شده) / ضمایر «شان» و «آن‌ها» جمع و غلط‌اند / «نباید شتاب داشته باشم» (مانند ۲) / «ذَنْبٌ» (دومی) ترجمه نشده.

۴ «به من آموخته‌اند»، «نباید عجله کرد» (مانند ۳) / «هیچ» زائد است / ضمیر در «گناهش» زائد است / «ارتکب» ترجمه نشده / قسمت آخر کاملاً اشتباه ترجمه شده.

۵ صرفاً با توجه به ترجمه «قَد تَعَلَّمْتُ» (یاد گرفته‌ام) می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۱- **گزینه ۳** ترجمه کلمات مهم: الطَّيِّبِ (أهو) / كَأَنَّ (گویا) / يَدْرِكُ (درک می‌کند) / يَرْقُبُ (نظاره می‌کند) / إِعْجَابٌ (تعجب، شگفتی) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «این» زائد است / «قدر دانسته» برای «يَدْرِكُ» اشتباه است / «شب زیبا» غلط است (زیبایی شب) / «نظاره‌گر است» برای فعل «يَرْقُبُ» غلط است / «زیبایی» زائد است / «باعجاب کثیر» ترجمه نشده.

۲ «چه‌بسا» برای «كَأَنَّ» غلط است / «قدر می‌داند» (مانند ۱)

۳ «این» زائد است / «شب زیبا» (مانند ۱) / «به طوری عجیب» غلط است / «نظاره‌گر است» (مانند ۱)

۴ صرفاً با توجه به ترجمه «الطَّيِّبِ كَأَنَّهُ» «(أهو گویی ...) می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۴- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: الغراء (انسان) / قَدَمْتُ (از پیش فرستاد) / يَدَاةُ (دستاش) / يا لَيْتَ (ای کاش) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «با» زائد است / «باشم» برای «گنت» غلط است (بودم).

۳ «شخص» معادل «المراه» نیست (انسان) / «نتیجه» و «به وسیله» زائد هستند.

۴ «است که» زائد است / «هر شخصی» غلط است (انسان) / «نتیجه» زائد است / «می‌شدم» (مانند) (۲)

در سؤال‌هایی که تعبیرهای خاصی، مانند «ما قَدَمْتُ يَدَاةُ» (آن چه دستاش از پیش فرستاده) در آن‌ها به کار رفته، چه‌بسا فقط با توجه به همین تعابیر بتوان پاسخ را یافت؛ مثل همین سؤال که این تعبیر فقط در یک گزینه درست ترجمه شده است.

۱۵۵۳- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: لَيْتَنِي (ای کاش من) / كُنْتُ قَدْ تَعَلَّمْتُ (آموخته بودم) / ماضی بعید / آن لا أَحْزَنُ (که غمگین نشوم) / أَوْاجِبُهُ (مواجه می‌شوم) / و لو كان ... (اگرچه ... باشد) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «شاید» معادل «لَعَلَّ» است نه «لَيْتَ» (کاش) / «آموخته باشم» باید ماضی بعید باشد (آموخته بودم) / «هر آن چه از ناپسندی‌ها» ترجمه «كُلُّ مَكْرُوهُ» نیست (هر امر ناپسندی) / «به من برسد» برای «أَوْاجِبُهُ» غلط است (با آن مواجه می‌شوم) / «ناراحت نیاشم» باید مضارع التزامی باشد (ناراحت نشوم).

۳ «محزون نشدن» ترجمه «أَنْ لا أَحْزَنُ» نیست / «با من مواجه می‌شود» (مانند) (۲) / «یاد می‌گیرتم» (مانند) (۲)

۴ «شاید» (مانند) (۲) / «غم‌نخوردن» (مانند) (۳) / «آن ناخوشایندی» (مانند) (۲) / «به من خواهد رسید» (مانند) (۲) / «با وجود بزرگ‌بودن» غلط است (گرچه بزرگ باشد) / «از تو بیاموزم» (مانند) (۲)

صرفاً با توجه به ترجمه «كُنْتُ قَدْ تَعَلَّمْتُ» می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۴- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: أكثر من (بیش از، بیشتر از) / تَخْتَفِي (پنهان می‌شوند: در این جا به صورت جمع) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «عمیق» باید نکره باشد (عمقی) / «حدود» غلط است (بیش از) / «همان‌جا» برای «هناك» غلط است (آن‌جا).

۳ «عمیق» (مانند) (۲) / «آن مکان» فاعل ترجمه شده، اما «هناك» قید مکان است / «پنهان می‌کند» فعل لازم «تَخْتَفِي» را متعدی ترجمه کرده.

۴ «لایه» نفی جنس درست ترجمه نشده (هیچ ... نیست) / «رنگ‌هایی» نکره است، اما «الألوان» معرفه / «که وجود دارند» زائد است؛ به جایش باید «آن‌جا» بیاید / «مخفی شده‌اند» ماضی و نادرست است.

صرفاً با توجه به ترجمه «هناك» (آن‌جا) می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۵- [گزینه ۲] ترجمه کلمات مهم: كُنْ (باش) / ذا سيرة حسنة (دارای سیرت نیک، نیک‌سیرت) / لِيَذْكُرْ (تا یاد کنند) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «لایه» نفی جنس درست ترجمه نشده (هیچ ...) / «بعدها» ترجمه «المستقبل» نیست (آینده).

۳ «دوام اندکی دارد» غلط است (هیچ دوامی ندارد) / «سیرت را نیک بدار» نادرست است (نیک‌سیرت باش، دارای سیرتی نیک باش) / «که» غلط است (تا) / «یاد خواهند کرد» مستقبل و غلط است.

۴ صرفاً با توجه به ترجمه «لا دوام لها» می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۶- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: الْهَدْوَةُ (آرامش) / أَنْ نَعْلَمَ (که بدانیم) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «أَنْ نَعْلَمَ» ترجمه نشده.

۲ «یعنی» غلط است (آن است که) / «اثری وجود ندارد» اشتباه است (هیچ اثری ندارد)

۴ «می‌دانیم» باید مضارع التزامی باشد (بدانیم) / «اثری وجود ندارد» (مانند) (۲)

صرفاً با توجه به ترجمه «أَنْ نَعْلَمَ» می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۷- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: لا شَابَ هُنَاكَ (هیچ جوانی نیست) / لم يُدافع (دفاع نکرد) / در اسلوب این جمله: دفاع نکرده باشد: ماضی منفی / الحرب المفروضة (جنگ تحمیلی) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «لایه» نفی جنس درست ترجمه نشده (هیچ جوانی ...) / «تجاوزگرانه» غلط است (تحمیلی) / «دفاع نکند» مضارع و نادرست است.

۲ «لایه» نفی جنس باز غلط ترجمه شده / «هنگام» غلط است (در) / «تحمیل جنگ» ترکیب اضافی است، اما «الحرب المفروضة» ترکیب وصفی / «دفاع می‌کند» غلط است؛ زیرا اولاً مثبت است، ثانیاً مضارع.

۴ «نبوده» ماضی و غلط است (نیست) / «هنگام» (مانند) (۲) / «تحمیل جنگ» (مانند) (۲) / «تجاوزگرانه» زائد است / ضمیر در «وطنه» ترجمه نشده.

صرفاً با توجه به ترجمه «لا شَابَ هُنَاكَ» می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۸- [گزینه ۱] ترجمه کلمات مهم: كَلَّ إِغْرَاقِي (هر زیادرویی) / كَلَّ + اسم نکره = هر ...

اگر خبر «لایه» نفی جنس، فعل مثبت باشد، به صورت منفی ترجمه می‌شود: لا حَيَاةَ تَبْقَى (هیچ حیاتی باقی نمی‌ماند) بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «وجود ندارد» برای «تَبْقَى» غلط است (باقی نمی‌ماند) / «که» زائد است / «كَلَّ» ترجمه نشده / «مبالغه‌آمیز» برای «إِغْرَاقِي» غلط است (زیاده‌روی) / «حقیقت را» غلط است (برای حقیقت) / «نشان دهد» معادلی در عبارت عربی ندارد.

۴ «كَلَّ» درست و در جای خود ترجمه نشده، باید «هرگونه» حذف شود و قبل از «إِغْرَاقِي»، «هر» بیاید / «باقی نخواهد ماند» مستقبل و نادرست است.

۴ «بعد از مبالغه‌ها» غلط است (هر زیادرویی) / «چه» (هر دو بار) زائد است / «که حقیقت در آن باشد» (مانند) (۲)

صرفاً با توجه به ترجمه «كَلَّ إِغْرَاقِي» می‌توان گزینه پاسخ را یافت!

۱۵۵۹- [گزینه ۳] ترجمه کلمات مهم: لا دِينَ لِـ ... (هیچ دینی ندارد) / الْمُتَلَوْنَ (انسان دورو)

«و این» معنای «هر چند، اگرچه» می‌دهد.

فعل ماضی را با توجه به سیاق عبارت گاهی می‌توان مضارع التزامی ترجمه کرد: «أَلْفَاكُ» (تو را بیندازد) به جای (تو را انداخت). وقتی یک فعل دیگر هم به این فعل وابسته شود، مثل آن ترجمه می‌شود: «و تَظَاهَرُ» (و تظاهر کند) به جای (و تظاهر کرد).



بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «کسی که ... است» زائد است / «چند رنگ» برای «المُتَلَوْن» غلط است (انسان دورو) / «دینی ندارد» با توجه به «لاهی نفی جنس، غلط است (هیچ دینی ندارد) / دو جمله «أَلْقَاكَ ...» و «تَظَاهَرْ ...» جابه‌جا ترجمه شده‌اند / «بی‌نقصی خود» برای «کمال دیانتیه» غلط است (کامل بودن دیانتش).
 ۲ «آن کس که ... است» (مانند ۱) / «دورنگ» (مانند ۱) / «آن» ترجمه نشده و ساختار اشتباه منتقل شده / باز دو جمله جابه‌جا شده‌اند / باعث اشتباه تو شود» غلط است!

۳ «آن که ... است» (مانند ۱) / «دین ندارد» (مانند ۱) / باز دو جمله جابه‌جا شده‌اند و جمله «تَظَاهَرْ ...» کلاً اشتباه ترجمه شده!
 ترتیب جملات عربی فقط در ۳ رعایت شده است!

۱۵۶۰ - ۳ گزینه
 «قد قیل» فعل ماضی نقلی و مجهول است: (گفته شده) / «تَقَرَّب» یعنی «نزدیکی جویی به خدا» / «و درباره نماز گفته شده» نماز را نگاه دارید و با آن، به خدا نزدیکی جویید! بقیه گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۱۵۶۱ - ۴ گزینه
 فقط ۱ درست ترجمه شده است.
 می‌دانیم که ترکیب «کان + فعل مضارع» معادل ماضی استمراری است. برای منفی کردن این ترکیب، دو راه وجود دارد: «کان منفی + مضارع مثبت» یا «کان مثبت + مضارع منفی»: مثال: «ما كُنْتُ أَفْلَقُ» یا «كُنْتُ لَا أَفْلَقُ» (نگران نمی‌شدم، پریشان نمی‌شدم).

ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

۱ «هیچ کودکی برای تهیه غذا پیش هر روز مضطرب نمی‌شود.»
 ۲ «زیرا او همیشه به مهربانی مادرش ایمان دارد.»
 ۳ «ای کاش من هم مثل آن کودک، به پروردگار ایمان آورده بودم.»
 «كُنْتُ أَمْنْتُ» ماضی بعید است.

۱۵۶۲ - ۲ گزینه
 ترجمه کلمات مهم: سرگذشت (سیره) / بهترین تجربه (خَيْرُ التَّجَرِبَةِ) / باید عبرت بگیریم (لِنَعْتَبِرْ).

«لِنَعْتَبِرْ» از «لام امر + فعل مضارع» ساخته شده: لام امر در اصل، کسره (ل) دارد، اما اگر قبلیش «فه» یا «وَه» بیاید، ساکن می‌شود: «فَلِنَعْتَبِرْ» یا «وَلِنَعْتَبِرْ»
 بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «مصیر» (سرانجام) برای «سرگذشت» غلط است (سیره) / «التَّجَارِب» جمع است، اما «تجربه» مفرد.

۲ «ترجمه» معنای «شرح حال» می‌دهد و غلط است (سیره) / «التَّجَارِب» (مانند ۱) / «فَنَحْنُ نَعْتَبِرْ» (پس ما عبرت می‌گیریم) غلط است.

۳ «ماضی» یعنی «گذشته» و غلط است. «تَجْرِبَةُ فَضْلِي» (تجربه‌ای بهتر) غلط است / «فَنَعْتَبِرْ» (پس عبرت می‌گیریم) غلط است.

۱۵۶۳ - ۱ گزینه
 ترجمه کلمات مهم: هیچ کاری بهتر از ... نیست (لا عمل خیر من ...). (لا عمل أفضل من ...) / فراگرفتن (تَعَلَّمَ) / واجب دینی (فَرِيضَةٌ).
 بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «لیس عمل خیر من ...» (کاری بهتر از ... نیست) برای «هیچ کاری ...» غلط است / «تعلیم» (یاد دادن) غلط است (تَعَلَّمَ) / «واجب» برای «واجب دینی» دقیق نیست (فَرِيضَةٌ).

۳ ساختار عبارت کاملاً اشتباه ترجمه شده: (فراگرفتن دانش‌ها کاری است که که کاری بهتر از آن نیست؛ زیرا واجب دینی است!) / «العلوم» جمع است، اما «دانش» مفرد.

۴ «العلوم» جمع است، اما «دانش» مفرد / «واجب» (مانند ۲)

۱۵۶۴ - ۳ گزینه
 ترجمه کلمات مهم: امید است (لَعَلَّ) / آینده (المُسْتَقْبَل) / صلح (السَّلَام، السَّلْم) / گسترش دهد (يُوسِّعُ: بعد از «لَعَلَّ» معنای التزامی می‌دهد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «لَيْتَ» (کاش) غلط است (لَعَلَّ) / «الغَد» (فردا) غلط است (المُسْتَقْبَل).
 ۲ «زُيْمَا» (چپ‌ساز، شاید) (مانند ۱) / «يَبْسُطُ» یعنی «پهن کند، بگستراند»، پس معادل دقیقی برای «گسترش دهد» نیست / «الانْشِرَاح» (شادی) غلط است (السَّلَام).

۳ «قَد» قبل از فعل مضارع، یعنی «گاهی» و بنابراین غلط است / «يَبْسُطُ» و «الانْشِرَاح» (مانند ۲) / «الغَد» (مانند ۱)

۱۵۶۵ - ۲ گزینه
 «جَعِلَ» (گذاشته شد) برای «آویخته شده» غلط است (عَلَّقَ) / «كَيْفَ» (شانه) برای «گردن» غلط است (عُنُقُ) / «لَا عَيْبَ» (بازیکن) برای «برنده» غلط است (فَائِزٌ): «عَلَّقَ الْوَسَامُ الذَّهَبِيَّ عَلَى عُنُقِ فَائِزِ الْمَسَابِقَاتِ»

۱۵۶۶ - ۱ گزینه
 هیچ دگرگونی در ... نیست (لا تَبْدِيلَ لـ ...). سنت‌های الهی (السُّنَنُ الْإِلَهِيَّةُ)

تعریب سایر گزینه‌ها:

۲ «لَا قِيَمَةَ لِعِلْمٍ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ!»

۳ «لَا يَأْسُ يَنْقُدُ فِي قَلْبِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ» / «أَبْدًا» زائد است.

۴ «لَا أَعْرِفُ أَيَّ عَاقِلٍ لَا يَعْتَبِرُ بِالتَّجَارِبِ!»

«آئی» در جمله منفی، یعنی «هیچ»: مثال: «لَا أَعْرِفُ أَيَّ عَاقِلٍ» (هیچ عاقلی را نمی‌شناسم). «آئی» در جمله مثبت، یعنی «هر»: مثال: «أَعْرِفُ أَيَّ عَاقِلٍ» (هر عاقلی را می‌شناسم).

۱۵۶۷ - ۲ گزینه
 سؤال، گزینه‌های را خواسته که مفهومش از مفهوم بیت مذکور دورتر است: «ای کسی که از روی نادانی به اصل و نسب افتخار می‌کند، مردم فقط از یک مادر و یک پدر هستند!» یعنی پدر و مادر همه مردم در حقیقت آدم و حوا هستند، پس افتخار به آباء و اجداد، نشانه نادانی است!
 بررسی گزینه‌ها:

۱ «مهم این است که انسان خودش چه فضیلتی دارد، نه پدرش!» پس افتخار به فضایل پدر، نادانی است!

۲ «انسان خردمند به خاطر فهم و شعورش در دنیا رنج می‌برد و نادان در نادانی‌اش آسوده است!» این مفهوم کاملاً صحیح است، اما ربطی به مفهوم بیت عربی ندارد!

۳ «هنر انسان ربطی به اصل و نسبش ندارد، همچنان که گل بر سر خار می‌روید و حضرت ابراهیم علیه السلام با آزر بت‌پرست نسبت داشت!» پس باید به ارزش خود افتخار کرد نه اجداد!

۴ «وقتی کسی بی‌هنر باشد، حتی اگر پسر پیغمبر هم باشد، ارزشی ندارد!» ارزش انسان به هنر خودش است، نه پدرش!

۱۵۶۸ - ۳ گزینه
 «هیچ ارثی همانند ادب نیست.» یعنی ارزشمندترین چیزی که پدر و مادر می‌توانند به فرزند خود بدهند، ادب است. گرچه همه گزینه‌ها در ستایش ادب هستند، اما فقط ۳ بر اهمیت ادب‌آموختن به فرزند تأکید دارد.

بررسی گزینه‌ها:

۱ «فقط انسان باسواد و مؤدب ارزش هم‌صحبتی دارد!»

۲ «بی‌ادب را روزگار ادب می‌کند!»

۳ «به فرزندان ادب بیاموز که همیشه برایشان سود دارد!»

۴ «انسان بی‌ادب را به خاطر ثروتش تأیید نکن، ادب انسان بهتر از ثروت است!»

۱۵۶۹- ۳۴۶۳ به نسبت گزینه‌های دیگر، در ۳ مفهوم بیت فارسی از مفهوم جمله عربی دورتر است.

بررسی گزینه‌ها:

۱ «بی‌گمان خداوند پادشاه نیکوکاران را تباه نمی‌کند»: بیت فارسی نیز می‌گوید خداوند پادشاه کسی را که جایی نیکی می‌کند در جای دیگر می‌دهد.

۲ «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابر هستند؟» بیت فارسی نیز در ستایش دانش و نگاهش نادانی است.

۳ «خداوند به کسی که به مردم رحم نکند، رحم نمی‌کند»: حدیث درباره «ترغیب به رحم کردن به مردم» است، اما بیت فارسی درباره «نهی کردن از آزار رساندن به مردم» است. رابطه میان عبارت‌ها در گزینه‌های دیگر نزدیک‌تر از رابطه میان این دو مفهوم است.

۴ «برای حبس طولانی، هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست»: (یعنی تا می‌شود باید سکوت کرد!) بیت فارسی نیز در ستایش کم‌حرفی است.

۱۵۷۰- ۳۴۶۴ بررسی گزینه‌ها:

۱ «خداوند به هیچ کس جز اندازه توانش تکلیف نمی‌کند»: «پروردگارا، آن چه را که توانش را نداریم بر ما تحمیل نکن!» هر دو آیه بر تناسب تکلیف و توان انسان دلالت دارند.

۲ «هیچ فقری همچون نادانی نیست»: «شما باید به دانش و دانش‌آموختن بپردازید» هر دو به دانش‌اندوزی ترغیب می‌کنند.

۳ «هیچ خیریی در سخن نیست، مگر همراه عمل باشد»: «حرف، حرف می‌آورد!» حدیث بر لزوم همراهی حرف و عمل دلالت دارد، اما ضرب‌المثل مذکور بر «تداوم حرف در گفت‌وگو» دلالت دارد که بی‌ربط هستند.

۴ «گویا خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید»: «دستیابی به رضایت همه مردم غیرممکن است!» آشکارا هم‌مفهوم‌اند.

۱۵۷۱- ۳۴۶۵ «چسبا سرزنش شده‌ای که هیچ گناهی ندارد» یعنی بسیاری اوقات کسی که سرزنش می‌شود هیچ گناهی نداشته است! این مفهوم در ۲ آمده است.

بررسی گزینه‌ها:

۱ «کسی که مشکلی را نمی‌تواند برای خودش حل کند، آن را برای دیگران هم نمی‌تواند حل کند» بی‌ربط است!

۲ «گاه کسی به خاطر گناهی که نکرده (بلکه دیگری کرده)، مجازات می‌شود!» با عبارت عربی هم‌مفهوم است.

۳ «در هنگام توانگری است که فروتنی ارزشمند است!» بی‌ربط است!

۴ «نه خیرش را خواستم و نه شَرش را!» بی‌ربط است.

۱۵۷۲- ۳۴۶۶ در قیاس با دیگر گزینه‌ها، دو جمله مذکور در ۳ مفهوم نزدیک‌تر دارند.

بررسی گزینه‌ها:

۱ «هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست»: «شَر دنیا و آخرت با نادانی است». در جمله اول، سخنی از پیامدهای جهل در آخرت نیست.

۲ «هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست»: «شاکرترین مردم، قانع‌ترین آن‌هاست». در جمله اول سخنی از رابطه شکرگزاری و قناعت نیست.

۳ «هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست»: «جامه سلامتی دلپذیرترین لباس‌هاست». مفهوم هر دو جمله کاملاً یکسان است.

۴ «هیچ ارثی همچون ادب نیست»: «با ادب بودن، اصل و نسب بد را پنهان می‌کند». جمله اول بر ادب‌آموختن به فرزند تأکید دارد، اما جمله دوم به تأثیر ادب بر فراموش شدن اصل و نسب بد اشاره دارد.

۱۵۷۳- ۳۴۶۷ سؤال، دو آیه‌ای را خواسته که مفهومشان متفاوت است. بررسی گزینه‌ها:

۱ «آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟»: «آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم؟» مفهوم دو آیه: بیهوده نبودن خلقت انسان و هدفمند بودن آن.

۲ «بی‌گمان خداوند پادشاه نیکوکاران را تباه نمی‌کند»: «هر آن چه از نیکی برای خودتان از پیش بفرستید، آن را نزد خداوند می‌یابید.» مفهوم دو آیه: محفوظ بودن پادشاه نیکوکاران نزد خداوند.

۳ «بی‌گمان خداوند کسانی را که صف‌حرف در راه او می‌جنگند، دوست می‌دارد»: «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مگویند!» آیه اول بر محبوبیت جهادگران نزد خدا دلالت دارد، و آیه دوم بر جاوید بودن شهیدان نزد خدا. مشخص است که مفهوم این دو آیه متفاوت است.

۴ «کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم!»: «به آن‌ها درباره روز حسرت هشدار بده!» مفهوم هر دو آیه: حسرت‌بار بودن روز قیامت برای کافران.

۱۵۷۴- ۳۴۶۸ سؤال گزینه‌ای را خواسته که برای تکمیل جمله مذکور مناسب است. با توجه به اسلوب (هیج ... نیست) در ترجمه جمله، «لا» بی‌نهی جنس برای جای خالی مناسب است: «لا حسود بیننا»: «هیج حسودی میان ما نیست».

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «إِنَّ» (قطعاً)

۲ «لَعَلَّ» (شاید، امید است)

۳ «لَيْتَ» (کاش). هیچ یک از این سه مورد مناسب جمله مذکور نیستند.

۱۵۷۵- ۳۴۶۹ سؤال گزینه‌ای را خواسته که همه حروف مشبّهة بالفعل در آن به کار رفته‌اند. این حروف، شش تا هستند که عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ». این شش حرف فقط در ۳ آمده‌اند: «إِنِّي أَعْرِفُ بَأَنَّ إِرَادَتَكَ قَوِيَّةٌ كَأَنَّكَ جَبَلٌ، لَعَلَّكَ تُصْبِحُ نَاجِحًا وَلَكِنَّكَ تَحْتَاجُ إِلَى الصَّبْرِ، فَلَيْتَكَ تَفُوز!» (شش حرف: إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَعَلَّ، لَيْتَ).

بررسی سایر گزینه‌ها: حروف مشبّهة بالفعل در:

۱ «إِنَّ، كَأَنَّ، أَنْ، لَعَلَّ» (چهار حرف)

۲ «لَيْتَ، أَنْ، كَأَنَّ» (سه حرف)

۳ «إِنَّ، لَعَلَّ، أَنْ، لَيْتَ» (چهار حرف)

۱۵۷۶- ۳۴۷۰ سؤال عبارتی را خواسته که حرف «لا» در آن مستلزم نفی از همه جنس افراد نیست؛ یعنی عبارتی که «لا» بی‌نهی جنس در آن نیامده؛ این عبارت همان ۲ است: «این مرد معلمی موفق است، نه شاعری مشهور!»

بررسی سایر گزینه‌ها:

در بقیه گزینه‌ها «لا» برای نفی جنس است:

۱ «هیج فعالی نیست، جز این که او در آن چه می‌خواهد موفق است!»

۲ «هیج لباسی زیباتر از سلامتی نیست، پس قدرش را بدان!»

۳ «به شهری سفر می‌کنم که هیچ موزه‌ای در آن نیست!»

۱۵۷۷- ۳۴۷۱ سؤال عبارتی را خواسته که حرف «إِنَّ» در آن از حروف مشبّهة بالفعل نیست؛ یعنی ۲: «ای مسلمانان! از دستیابی به مال حرام دوری کنید، اگرچه برایتان خوشایند باشد!» در این جمله «إِنَّ» حرف شرط است که در ترکیب «وَأَنَّ» معنای «اگرچه» می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها: در بقیه گزینه‌ها «إِنَّ» (مشبّهة بالفعل) آمده:

۱ «بی‌شک دوستم دانش‌آموزی راستگو است که در زندگی‌اش می‌کوشد، پس بی‌شک موفق خواهد شد!»



۳ «مادامی که تلاش و کوشش، هم‌پیمان ماست، به راستی ما بر آن چه می‌خواهیم دست می‌یابیم!»

۴ «بسیاری از دانش‌آموزان در امتحانات پایان سال موفق شدند، زیرا دبیرشان به خوبی به آن‌ها درس داده است!» (فان: زیرا)

۱۵۷۸- گزیندهای را خواسته که در آن حرفی آمده که معنای جمله ماقبلش را کامل می‌کند و ابهامش را رفع می‌کند. در ۳ حرف «لکن» همین کارکرد را دارد: «این، روز رستاخیز است، اما شما نمی‌دانید!»

پروسی سایر گزیندها:

۱ گویی راضی‌ساختن مردم، هدفی دست‌نیافتنی است.

۲ «کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!»

۳ در این گزینده حرف «الّا» (جز) چیزی را از جمله قبل استثنا کرده، نه این که ابهامش را برطرف کند: «ما هیچ دانشی نداریم، جز آن چه تو به ما آموخته‌ای!»

۱۵۷۹- سؤال خواسته «لاهی نفی جنس را تشخیص دهیم که در ۲ آمده: «من به خوبی می‌دانم که هیچ سودی همراه ستم نیست!»

پروسی سایر گزیندها:

۱ «الّا» حرف هشدار است و به معنای «بدانید، آگاه باشید:» «بدانید درس‌هایی دارید که به مرور نیاز دارند!»

۲ «لاهی اول برای منفی‌کردن مضارع است: «نمی‌دانم پدرم به خانه رسیده یا نه»، «لاهی دوم به معنای «نه» است.

۳ «الّا» ترکیب «ان + لاه» است که «لا» در آن برای منفی‌کردن مضارع است: «قسم می‌خورم که جز حقیقت را نمی‌گویم، پس مرا باور کنید!»

۱۵۸۰- سؤال گزیندهای را خواسته که حروف مشبّهه بالفعل در آن آمده؛ یعنی یکی از شش حرف «ان، اَن، کَأَنَّ، لَکِنَّ، لَیْتَ، نَعْلَمُ». در ۳ «ان» آمده است: «خشمگین نشو، زیرا خشم مایه تباهی است!» (فان: زیرا)

پروسی سایر گزیندها:

در گزیندهای دیگر هیچ یک از آن شش حرف نیامده:

۱ «سرما بسیار شدید بود و برف می‌بارید!»

۲ «اگر جایگاه دانشمندان را ببینی، بر یادگیری دانش‌ها و پیشرفت در آن‌ها عزم می‌کنی!»

۳ «کودک را نشسته کنار مادرش دیدم!»

۱۵۸۱- سؤال عبارتی را خواسته که بیش از یک حرف مشبّهه بالفعل در آن آمده: (ان، اَن، کَأَنَّ، لَکِنَّ، لَیْتَ، نَعْلَمُ). در ۱ دو حرف (ان، لکن) آمده: «به راستی نعمت سلامتی، بهترین نعمت‌هاست، اما قدرش دانسته نمی‌شود، مگر بعد از این که از دست برود!»

پروسی سایر گزیندها:

۲ یک حرف (ان): «باید بدانیم که دوستان وفادار، هنگام مشکلات و سختی‌ها شناخته می‌شوند!»

۳ یک حرف (ان): «کلید آرامش این است که بدانیم که نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی روزمره‌مان ندارد!»

۴ یک حرف (لیت): «کاش از تو آموخته بودم که از هر امر ناخوشایندی که با آن رویارو می‌شوم، غمگین نشوم!»

۱۵۸۲- سؤال «لاهی» را خواسته که جنس را نفی می‌کند: «لاهی نفی جنس فقط در ۲ آمده: «این مشکلی رایج در جامعه ماست، هیچ چاره‌ای نداریم!» (لا حیلۃ لنا)

پروسی سایر گزیندها:

در گزیندهای دیگر «لاهی نفی جنس نیامده است:

۱ «دوست حقیقی من همان کسی است که به من کمک می‌کند، نه کسی که مرا به حال خود رها می‌کند!»

۲ «به همه حاضرین سلام کردم، نه به شخص خاصی!»

۳ «آیا می‌توانی این کالا را برداری؟ نه!»

۱۵۸۳- گزیندهای سؤال می‌پرسد: کدام حرف دو جمله را به هم ربط می‌دهد؟ در ۱ حرف «ان» برای ربط‌دادن دو جمله آمده است: «بدانید که خداوند شنوا و آگاه است!»

پروسی سایر گزیندها:

در سایر گزیندها حرفی برای ربط دو جمله نداریم:

۲ «برادرم در طول شب در اتاق من خواب بود!»

۳ «کاش تو فرصت را مغتنم بدانی تا از آن بیشتر استفاده کنی!»

۴ «ای خواهرم، گویا تو به منظور من توجه نکردی!»

۱۵۸۴- با توجه به ترجمه (هیچ ... وجود ندارد)، متوجه می‌شویم که «لا» در اول جمله عربی از نوع «نفی جنس» است و بعد از آن، باید اسم «لاهی نفی جنس بیاید که نکره و آخرش مفتوح است؛ یعنی «عمل».

«اسم «لاهی نفی جنس، نه «ال» می‌گیرد و نه تنوین؛ فقط آخرش فتحه می‌آید.

۱۵۸۵- سؤال، عبارتی را خواسته که نفی در آن شدیدتر است. «لاهی نفی جنس، چون یک موضوع را به طور کامل نفی می‌کند، شدت نفی در آن بسیار بالاست؛ مثل ۳ «کسی که وفای عهد ندارد، هیچ دینی ندارد!» این جمله «دین» را برای انسان بدقول به طور کامل نفی می‌کند:

انسان بدقول، «هیچ نوع دینی» ندارد!

پروسی سایر گزیندها:

در بقیه گزیندها صرفاً «دین» از انسان بدقول نفی شده، بدون این که بر «هیچ دینی» تأکید شود:

۱ «کسی که وفای عهد ندارد، دینی ندارد!»

۲ «برای کسی که وفای عهد ندارد، دینی نمی‌باشد!»

۳ «در کسی که وفای عهد در او وجود ندارد، دینی وجود ندارد!» / شدت نفی در این سه جمله را مقایسه کنید با «کسی که وفای عهد ندارد، هیچ دینی ندارد!»

۱۵۸۶- سؤال، جمله‌ای را خواسته که مضمونش بر حسرت گوینده دلالت ندارد. می‌دانیم که حسرت‌خوردن، یعنی داشتن آرزویی نسبت به گذشته که از دست رفته است! در ۳ «لیت» (کاش) برای آرزویی نسبت به «آینده» است: «کاش تو امروز در امتحانت موفق شوی!» اما «لیت» در گزیندهای دیگر بر آرزویی نسبت به «گذشته» یعنی حسرت خوردن دلالت دارد.

پروسی سایر گزیندها:

۱ «کاش من خاک بودم!»

۲ «ای کاش با رسول خدا راهی (در پیش) گرفته بودم!»

۳ «وای بر من! ای کاش فلانی را دوست نگرفته بودم!»

۱۵۸۷- سؤال، گزیندهای را خواسته که بر آرزو دلالت دارد. «لیت» (کاش) تعبیری برای آرزوکردن است که در ۲ آمده: «کاش پیش از این، مرده بودم و کاملاً فراموش شده بودم!»

پروسی سایر گزیندها:

۱ «کَأَنَّ» در این گزینده بر تشبیه دلالت دارد: «آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.»

۲ «ان» بر جمله بعد از خود تأکید می‌کند: «بی‌گمان خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.»

۳ «ان» را که گفتیم! «نَعْلَمُ» نیز بر «امیدواری» دلالت می‌کند: «بی‌گمان ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، امید است شما خردورزی کنید.»

در فارسی. به ۲) دَقْتُ كُنَيْدُ: «إِنَّ صَدِيقِي مَرِيضٌ لَكِنَّهُ حَضَرَ فِي الْمَدْرَسَةِ» از جمله اول (دوست من بیمار است) انتظار می‌رود بیمار استراحت کند، سپس جمله دوم خلاف این انتظار را می‌گوید: «وَلِيٍّ او در مدرسه حاضر شد!» بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «أَنَّ» (که) میان دو جمله می‌آید و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، پس برای جای خالی در آغاز جمله مناسب نیست، بلکه «إِنَّ» مناسب است که در آغاز جمله می‌آید و بر مفهومش تأکید می‌کند: «بِئْسَ الْغَمَانُ إِبْرَاهِيمُ كُوشِيدُ قَوْمِشِ رَا از نادانی نجات دهد!»

۳) «لَيْتَ» معنای آرزو می‌دهد، پس برای جای خالی مناسب نیست: «چرا پدر بزرگم حرف مرا نشنید؟ کاش گوش‌هایش چیزی نشنود!» باید «كَأَنَّ» بیاید که معنای «گمان» می‌دهد: «... گویا گوش‌هایش چیزی نمی‌شنود!»
۴) «لَعَلَّ» معنای امیدواری می‌دهد، پس مناسب نیست: «امید است که ما در گذشته از فرصت‌هایمان استفاده کنیم!» این جمله منطقی نیست، باید «لَيْتَ» (کاش) بیاید که معنای آرزو می‌دهد: «کاش ما در گذشته از فرصت‌هایمان استفاده می‌کردیم!»

۱۵۹۲- ۱) نوع «لا» غلط بیان شده: «شما را چه شده؟!» آن‌گونه که من می‌خوانم درس‌هایتان را ...! طبعاً برای جای خالی فعل نفی (نمی‌خوانید) مناسب است، نه فعل نهی (نخوانید!) پس «لا» در «لا تَقْرَأَنَّ» نافی است نه ناهیه.

بررسی سایر گزینه‌ها:
۲) «ای خواهرانم! شما این‌جا کار نمی‌کنید، جز برای هدفی خاص!» پس «لا» در «لا تَعْمَلَنَّ» نافی است.

۳) «هیچ تکثیری در مؤمن نیست!» پس «لا» برای نفی جنس است.
۴) «مسلمان کسی را نباید مسخره کند، زیرا آن کار زشتی است!» پس «لا» در «لا يَسْخَرُ» از نوع نهی است. دَقْتُ كُنَيْدُ که «لا يَسْخَرُ» در اصل «لا يَسْخَرُ» بوده که برای راحت‌تر خوانده شدن، علامت ساکن از آخرش حذف شده و به جایش کسره آمده تا فعل به کلمه بعد وصل شود: «لا يَسْخَرُ الْمُسْلِمَ» ...

۱۵۹۳- ۱) سؤال گزینه‌ای را خواسته که نقش کلمات را درست تعیین کرده است.
بررسی گزینه‌ها:

۱) برای ضمیر «نا» در «حَدَّثْنَا» فاعل غلط است (مفعول)، اما برای «سیره» مجرور به حرف جرّ درست است (عن سیره).

۲) برای «هَذَا» مبتدا درست است، اما برای ضمیر «تَمَّ» در «كُنْتُمْ» فاعل غلط است (اسم کان).

۳) برای «العرب» مبتدا غلط است (اسم این): «انا برای «مُيَبِّينَ» صفت درست است (ضلال مُيَبِّينَ).

۴) برای «أَنْتَ» مبتدا و برای «هَذَا» مفعول، هر دو درست است.

۱۵۹۴- ۱) سؤال، گزینه‌ای را خواسته که نقش کلمات را غلط تعیین کرده؛ موارد مشخص شده در همه گزینه‌ها صحیح هستند، به‌جز در ۲) که «مَنْ» را فاعل دانسته، در حالی که این واژه، مفعول برای فعل «لا يَرْحَمُ» است.

۱۵۹۵- ۱) در عبارت مذکور، سه «ان» به کار رفته که به ترتیب عبارت‌اند از «إِنَّ» (مشبّهة بالفعل)، «أَنَّ» (قبل از فعل مضارع)، «إِنَّ» (حرف شرط): «بِئْسَ الْغَمَانُ به مؤمن امر شده که چیزی را شریک خدا قرار ندهد، پس اگر شرک بورزد، جایگاهش دوزخ است!» بنابراین فقط در ۴) این سه «ان» درست خوانده شده‌اند!

۲) «كَأَنَّ» هم می‌تواند معنای «تشبیه» بدهد و هم معنای «گمان کردن». برای معنای اول، در ترجمه‌اش از «مانند، همچون، مثل» استفاده می‌کنیم؛ مثل ۱) برای معنای دوم، در ترجمه‌اش از «گویا، گویی، انگار» استفاده می‌کنیم: «كَأَنَّ الطِّفْلَ مَرِيضًا: انگار کودک بیمار است!»

۱۵۸۸- ۱) سؤال، عبارتی را خواسته که حرف در آن معنای «امیدواری» می‌دهد (زجاء = امیدواری). «لَعَلَّ» حرفی است که بر امیدواری دلالت دارد (امید است، شاید) و در ۱) آمده: «امید است ستم از بین برود، چه حکومت با آن باقی نمی‌ماند!»
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «لَيْتَ» بر آرزو دلالت دارد: «کاش ملت‌های اسلامی هویت حقیقی‌شان را بازیابند!»

۳) «كَأَنَّ» در بخش اول این گزینه بر «گمان» دلالت دارد: «گویا دوستم راز را می‌داند ...» هم‌چنین «لَكِنَّ» در بخش دومش، به معنای «ولی، اما» است؛ یعنی جمله بعدش خلاف انتظاری است که در جمله قبلیش به وجود آمده: «... ولی آن را پنهان می‌کند!»

۴) «أَنَّ» میان دو جمله می‌آید و صرفاً آن دو را به هم ربط می‌دهد، مثل «که» در فارسی: «با خودم گمان می‌کردم که تو این مردان را می‌شناسی!»

۱۵۸۹- ۳) با توجه به معنای جملات، باید عبارتی را یافت که حرف‌های روبه‌رویش برای پر کردن جای خالی مناسب نیستند. در ۳) در جای خالی به حرفی نیاز داریم که دو جمله را به هم ربط دهد، این کار را «أَنَّ» انجام می‌دهد، پس «إِنَّ» غلط است: «من مطمئنم که شما نمره موفقیت را می‌گیرید، اگر به تلاشتان ادامه دهید!» (أنا متأكد بأنكم ...)
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «رنگ رخسار برادرم سرخ شده، انگار او / زیرا او بیمار است، باید به پزشک مراجعه کند!» هر دو مناسب‌اند.

۲) «ما آن‌چه را در آینده می‌گذرد نمی‌دانیم ای فرزندان من! کاش / امید است به نفعمان باشد!» هر دو مناسب‌اند.

۴) «وعده ما روز چهارشنبه بود ای دوستان عزیزم! ولی / گویا شما فراموش کردید!» هر دو مناسب‌اند.

۱۵۹۰- ۲) سؤال، گزینه‌ای را خواسته که معنای حروف مشبّهة بالفعل در آن غلط بیان شده. می‌دانیم که حرف «أَنَّ» میان دو جمله می‌آید و فقط آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد؛ یعنی مثل «إِنَّ» نیست که بر تأکید دلالت می‌کند. در ۲) در عبارت اول «أَنَّ» آمده، ولی در عبارت دوم بر مفهوم جمله تأکید شده، پس معنای حرف «أَنَّ» غلط بیان شده: «می‌دانم که تو امروز می‌رسی!» «قطعاً تو امروز می‌رسی!»
بررسی سایر گزینه‌ها:

در بقیه گزینه‌ها، معنای حرف مشبّهة بالفعل در جمله اول، توسط جمله دوم درست بیان شده:

۱) «گویا دانش، نور است!»؛ «دانش، مانند نور است!»؛ «كَأَنَّ» و «كَتَّ» هر دو باعث شده‌اند دانش به عنوان نور فرض شود.

۳) «شاید من امروز تو را ببینم!»؛ «چه‌بسا امروز تو را ببینم.» «لَعَلَّ» و «زُتْمَا» هر دو بیانگر احتمال هستند.

۴) «کاش جوانی برگردد!»؛ «بازگشت جوانی را آرزو دارم!» «لَيْتَ» و «أُتْمَتِي» هر دو بیانگر آرزو هستند.

۱۵۹۱- ۲) «لَكِنَّ» میان دو جمله می‌آید؛ جمله قبل از آن انتظاری را به وجود می‌آورد، سپس جمله بعدش خلاف آن انتظار است؛ مثل «ولی، اما»



۱۵۹۶- **کوبه ۲** سؤال گزینه‌ای را خواسته که حرف «ان» در آن درست خوانده شده:

بررسی گزینه‌ها:

- ۱ «ان» در آغاز جمله، قبل از فعل مضارع آمده، پس «ان» (حرف شرط) خوانده می‌شود: «اگر به مردم رحم کنی، خدا هم به تو رحم می‌کند»
- ۲ «ان» بر سر یک جمله اسمیه آمده و آن را به جمله قیلش پیوند داده، پس «ان» در این گزینه، درست خوانده شده: «ای فرزندانم! بدان که شکست، پل پیروزی است»
- ۳ «ان» در آغاز جمله و قبل از اسم آمده، پس «ان» (مشبیه بالفعل) خوانده می‌شود: «بی‌گمان خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید»
- ۴ «ان» در میان جمله، قبل از فعل مضارع آمده، پس «ان» خوانده می‌شود که قبل از فعل مضارع می‌آید و معنایش را التزامی می‌کند: «باید درس‌هایمان را خوب بخوانیم»

۱۵۹۷- **کوبه ۳** سؤال گزینه‌ای را خواسته که حرف «ان» در آن درست خوانده نشده:

بررسی گزینه‌ها:

- ۱ «ان» (مشبیه بالفعل) اول جمله بر سر یک اسم آمده: «خشمگین نشوید، زیرا (فان: زیرا)، خشم پیامدهای بدی دارد»
- ۲ «بی‌گمان، کافر در روز رستاخیز از اعمالش پشیمان خواهد شد»
- ۳ «ان» وسط جمله قبل از فعل مضارع آمده و معنای آن را التزامی کرده: «دوست دارم بار دیگر به کیش سفر کنم» بنابراین «ان» غلط است.
- ۴ «ان» بر سر یک جمله اسمیه آمده و آن را به جمله قیلش پیوند داده: «مردم می‌پنداشتند که ابراهیم انجام‌دهنده (آن کار) است»

۱۵۹۸- **کوبه ۴** همه گزینه‌ها درست‌اند، به‌جز **۴** «مرصوص» از نظر صرفی: اسم، مفرد مذکر، نکره (اسم مفعول) است و از نظر اعراب: صفت است.

۱۵۹۹- **کوبه ۱** تحلیل صرفی و اعراب «ابراهیم» درست است.

بررسی گزینه‌های نادرست:

- ۲ مجزء ثلاثی ← مزید ثلاثی (من باب مُفَاعَلَة)
- ۳ فاعله «قوم» ← «قوم» مفعول است.
- ۴ صفة ← مضاف إليه

۱۶۰۰- **کوبه ۲** همه گزینه‌ها درست‌اند، به‌جز **۲** «عزف» از نظر صرفی، فعل ماضی در صیغه سؤم شخص مفرد مذکر (لغائب)، ثلاثی مجزء، متعدی و معلوم است. از نظر اعراب نیز: فعل است و فاعلش اسم ظاهر «الإنسان» است. «در عبارت مذکور، «الحضارات» مبتدا و جمله «تؤکد ...» خبر است.

۱۶۰۱- **کوبه ۲** با توجه به «لیت» برای جاهای خالی، به اسم و خبر برای آن نیاز داریم. می‌دانیم که اسم و خبر باید از نظر جنس و عدد با هم مطابق باشند. پس **۲** غلط است، زیرا «هن» جمع مؤنث غایب (لغائبات) است، اما «تنتفعن» جمع مؤنث مخاطب (للمخاطبات) است؛ درستش «تنتفعن» است: «کاش آن‌ها از همه نعمت‌هایی که خداوند در طبیعت به امانت نهاده، بهره‌مند شوند»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «لیک - تنتفعین» هر دو مفرد مؤنث مخاطب (للمخاطبة)
- ۳ «المسلمات - تنتفعن» هر دو جمع مؤنث غایب (لغائبات)
- ۴ «المسلمین - تنتفعون» هر دو جمع مذکر غایب (لغائبین)

۱۶۰۲- **کوبه ۳** بعد از «لا»ی نفی جنس، همیشه «اسم نکره مفتوح» می‌آید، مثل **۳** «لا نفع ...» «باید اعتراف کنیم که هیچ نفعی در همنشین با نادان‌ها نیست» در گزینه‌های دیگر «لا» قبل از اسم نیامده.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «لا» قبل از فعل آمده: «کسی که با جدیت کار نمی‌کند، موفقیت را در زندگی‌اش نخواهد دید» پس «لا»ی نفی است.
- ۲ «لا» قبل از حرف جز آمده: «به دوستانم سلام کردم، نه به همه حاضران!» («لا» به معنای «نه»)
- ۴ «لا» قبل از فعل آمده: «برادر او، در خانه درس نمی‌خواند، بلکه در مدرسه (درس می‌خواند)» پس «لا»ی نفی است.

۱۶۰۳- **کوبه ۴** «لا»ی نفی جنس را از دو طریق می‌توان تشخیص داد، یکی از طریق ساخت جمله عربی (لا + اسم نکره مفتوح + خبر) و یکی از طریق ترجمه (هیچ ... نیست): مثلاً در **۴** آمده: «لا عَجَبَ أَنْكَ نَجَحْتَ ...»: لا + عَجَبَ (اسم نکره مفتوح) + أَنْكَ نَجَحْتَ (خبر): «هیچ تعجبی نیست که تو موفق شده‌ای».

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «الا» (بدانید، آگاه باشید) حرف هشدار است: «بدانید هر چیزی جز الله باطل است»

۲ «لا»ی اول قبل از فعل نفی آمده، و «لا»ی دوم به معنای «نه» است: «نمی‌دانم که آیا برادرم در امتحان موفق شد یا نه»

۳ «لا» به معنای «نه» است: «او و خانواده‌اش فقیرانی هستند، نه ثروتمندان»

۱۶۰۴- **کوبه ۲** اسلوب «لا»ی نفی جنس: «لا + اسم نکره مفتوح + خبر». این اسلوب فقط در **۲** آمده: «... لا شك في انتصار الحق»: «لا» (نفی جنس) + «شك» (اسم نکره مفتوح) + «في انتصار الحق» (خبر): «به دوستانم گفتم: هیچ شکی در پیروزی حق نیست»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «لا» به معنای «نه» است: «این شاعری ارجمند است نه تاجری فغال»
- ۳ «لا» قبل از فعل نفی آمده: «مؤمن به سوی همنشین بد نمی‌رود»
- ۴ «لا» قبل از اسم معرفه (انفاق الأموال) آمده و معنای «نیست» می‌دهد: «ای ثروتمند! انفاق اموال جز در راه خدا نیست»

۱۶۰۵- **کوبه ۱** «لا» (نفی جنس) + اسم (نکره مفتوح) + خبر: «این اسلوب فقط در **۱** آمده: «اليوم لا طالبة في المدرسة» (امروز، هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست)»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲ «لا» قبل از فعل نهی آمده: «جز اعمال خیر را نخواهید»
- ۳ «لا» قبل از فعل نفی آمده: «آیا نمی‌دانید که خدا بر هر چیزی آگاه است»
- ۴ «لا» قبل از فعل نفی آمده: «چرا چیزی را که نمی‌دانی می‌گویی ای انسان!»

متن اول

تفاوت بزرگی میان کشورهای ثروتمند و فقیر هست، اما برخلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند، ما می‌بینیم که در این کشورهای فقیر، منابع طبیعی بسیاری وجود دارد، ولی علی‌رغم آن، ساکنان آن‌ها در زندگی‌شان خوشی نمی‌بینند! از جمله دلایل این امر آن است که این کشورها به سنت الهی اهمیت نمی‌دهند، (یعنی) نمی‌خواهند به آن توجه کنند؛ این سنتی است که آفریدگار برای جهان قرار داده: این‌که پیشرفت، آماده از آسمان نمی‌آید، بلکه به کوشش و تلاش و اراده نیاز دارد. کشورهای ثروتمند از آن‌چه خدا به آن‌ها داده، استفاده می‌کنند، پس شکی نیست که آن‌ها پیشرفت می‌کنند!

۲ «هر که صبر کند، می‌رسد» متن چیزی درباره صبر نمی‌گوید، درباره حرکت و تلاش می‌گوید!

۴ «فقط کسی که از خدا پروا می‌کند، قهرمان است» پروای خدا و قهرمانی ربطی به متن ندارند!

۱۶۱۰- گزینه ۴
«يَنْصُورُ»: فعل مضارع - للغالب - مزيد ثلاثي من باب «تَفْعُلُ» (تَضُورُ) - متعدّد - مبتني للمعلوم / فاعله اسم ظاهر (الْبَعْضُ)، و الجملة فعلية.
بررسی گزینه‌های نادرست:

۱ مجرد ثلاثي ← مزيد ثلاثي

۲ من باب تفعيل ← من باب تفعّل

۳ من باب تفعيل ← من باب تفعّل

۱۶۱۱- گزینه ۴
«جاهزاً»: اسم - مفرد مذکر - نكرة - مشتق و اسم فاعل / حال
بررسی گزینه‌های نادرست:

۱ جامد ← مشتق و اسم فاعل

۲ اسم مفعول ← اسم فاعل

۳ مفعول مطلق ← حال

متن دوم

بی‌گمان نتیجه اعمال، سهل‌الوصول نیست و بدون جدّیت و تلاش به دست نمی‌آید. آرزوها نیز جز با سعی و روی آوردن به کار به دست نمی‌آیند؛ چرا که این دو هر سختی‌ای را خوار می‌کنند و هر کار دشواری را آسان می‌سازند! این آرزوها در دنیای رؤیاهای باقی می‌مانند، وقتی صاحبشان همراه آن‌ها، جدّیت و اقدام و کار برای محقق‌کردنشان را در پیش نگیرد! انسان خیال‌پردازی که زندگی‌اش را غرق در آرزوهایش می‌گذراند، همچون کسی که باد در مشت می‌گیرد، جز به شکست دست نمی‌یابد. اما اتمتی که آرزمند است تا سعادت‌مندانه زندگی کند، باید با حقایق زندگی رویارو شود، با توجه به آن‌چه که این حقایق از جدّیت و پایداری نیاز دارند؛ وگرنه - وقتی از رخوت و توهم‌هایش بیدار شود - خودش را چنین خواهد یافت که لقمه‌ای لذیذ در دهان حادثه‌ها و رویدادها شده است!

۱۶۱۲- گزینه ۳
بهترین راه برای آسان کردن سختی‌ها چیست؟
بررسی گزینه‌ها:

۱ «دریافتن آرزوها و پایداری در آن‌ها» آرزوکردن و ماندن در آن، بدون کار و تلاش، چیزی را آسان نمی‌کند!

۲ «خودداری از آرزوها و رؤیاهای» نباید از آرزو و رؤیا خودداری کرد، بلکه باید همراه با آن‌ها کار و تلاش کرد!

۳ «کار و تلاش و کوشش» دقیقاً همین ویژگی‌ها، هر سختی‌ای را آسان می‌کنند.

۴ «رسیدن به زندگی خوب و سعادت‌مند» باید اول با کار و تلاش، سختی‌ها را آسان کرد و خواسته‌ها را محقق کرد تا سپس به زندگی خوب و سعادت‌مند رسید!

۱۶۱۳- گزینه ۴
کی رؤیاهای ما لباس حقیقت بر تن می‌کنند؟
بررسی گزینه‌ها:

۱ «هرگاه همچون کسی شویم که در زندگی باها را در مشت می‌گیریم» «باد در مشت گرفتن» کنایه از ناکامی و رسیدن به هیچ است! چنین کسی هیچ‌گاه آرزوهایش محقق نمی‌شود.

۲ «وقتی کار و جدّیت را شیوه‌ای برای زندگی‌مان برگزینیم» دقیقاً از همین راه، رؤیاهای انسان محقق می‌شود.

۳ «وقتی با درازی آرزو و صبر و پایداری در آن مقاومت کنیم» با آرزوهای دراز و ماندن در آن‌ها، بدون کار و تلاش هیچ رؤیایی محقق نمی‌شود!

۴ «هرگاه از خوابمان بیدار شویم و خودمان را لقمه‌ای در دهان تاریکی بیابیم» این که دقیقاً ناکامی است!

اما کشورهای فقیر! آن‌ها نیز آن (پیشرفت) را توقّع دارند، اما بر خودشان تکیه نمی‌کنند و از نیروهایشان استفاده نمی‌کنند، خیال می‌کنند که زندگی مرفّه، فقط با آرزوها محقق می‌شود! هرگز! چرا که خدا تلاش و کار را در رسیدن به پیشرفت قرار داده است؛ این سنتی است که تغییر نمی‌کند، پس هر کس به آن عمل کند - مؤمن باشد یا کافر - نتیجه تلاشش را می‌بیند!
۱۶۰۶- گزینه ۳
بررسی گزینه‌ها:

۱ «کشورهای فقیر از منابع طبیعی بهره‌مند نیستند» آشکارا براساس متن، غلط است.

۲ «کشورهای پیشرفته با ثروت‌های طبیعی‌شان، ثروتمند خواهند بود» با توجه به متن، این کشورها با تلاش و کوشش، ثروتمند می‌شوند نه با ثروت‌های طبیعی‌شان!

۳ «در بسیاری اوقات، عقب‌ماندگی کشورهای فقیر، نتیجه فقر عقل است» طبعاً تکیه‌نکردن به خود و استفاده‌نکردن از نیروهای خود، به دلیل بی‌خردی و عقب‌ماندگی فکری در کشورهای فقیر است! پس این گزینه درست است.

۴ «مشکل اساسی این است که دولت‌های فقیر، مطابق سنت‌های الهی عمل می‌کنند» غلط است؛ اگر فعل جمله «نمی‌کنند» باشد، درست می‌شود!

۱۶۰۷- گزینه ۴
«از پیشرفته‌ها خواهیم شد اگر»
بررسی گزینه‌ها:

۱ «برای از بین بردن فقر از میان خود بکوشیم» این گزینه ظاهراً درست است، اما در واقع، دقیق و درست نیست! براساس متن، پیشرفت کردن به کار و تلاش و استفاده از منابع بستگی دارد؛ اگر این موضوع محقق شود، فقر خودش از بین می‌رود!

۲ «به افزایش منابع طبیعی‌مان بپردازیم» نیازی به افزایش نیست، باید از آن‌چه که هست، درست استفاده کرد!

۳ «از خدا بخواهیم و با تأکید، دعا کنیم» با دعا و درخواست از خدا، بدون کار و تلاش، پیشرفتی حاصل نمی‌شود!

۴ «اندیشه‌مان را تغییر دهیم و بر خودمان تکیه کنیم» شرط پیشرفت دقیقاً همین است!

۱۶۰۸- گزینه ۱
«از محاسن کشورهای پیشرفته این است که آن‌ها»
بررسی گزینه‌ها:

۱ «قوانینی را که خداوند در جهان قرار داده، فهمیدند و به آن‌ها عمل کردند» براساس متن، موفقیت به شرط تلاش، سنت و قانونی الهی، در جهان است که کشورهای پیشرفته براساس آن عمل کرده‌اند. پس این گزینه صحیح است.

۲ «سرچشمه‌ها و منابع طبیعی در آن‌ها بسیار است» براساس متن، اتفاقاً منابع طبیعی در کشورهای فقیر، زیاد است!

۳ «آرزوها و خواهش‌ها در آن‌ها زیاد است» نه! کار و تلاش در آن‌ها زیاد است!

۴ «فقر در میانشان وجود ندارد» در متن نیامده که در کشورهای پیشرفته، فقر وجود ندارد، مسئله این است که آن‌ها نتیجه کار و تلاش خود را می‌بینند!

۱۶۰۹- گزینه ۱
پیام متن درباره اهمیت کار و تلاش برای پیشرفت است؛ این مفهوم دقیقاً در ۱ آمده است.

بررسی گزینه‌ها:

۱ «هر که تلاش کند، می‌یابد» (جوینده، یابنده است!) متن نیز می‌گوید: هر که تلاش کند، پیشرفت می‌کند!

۲ «ارزش انسان به کاری است که به خوبی انجام می‌دهد» متن درباره ارزش انسان نیست، درباره پیشرفت و عقب‌ماندگی است!



۱۶۱۴- [گزینه ۱] عبارت مذکور فقط با واژه‌های ۱ به درستی کامل می‌شود: «مَنْ غَرِقَ فِي أَمَانِيهِ الْخَلْوَةُ وَ هُوَ يَلْعَبُ بِهَا فِي هَزْلِهِ وَ جَدِّهِ، لَا يَحْصُلُ إِلَّا عَلَى الضَّيَاعِ!» «هر کس در آرزوهای شیرینش غرق شود، در حالی که در شوخی‌اش و جدیتش به آن‌ها سرگرم است، جز به تباهی دست نمی‌یابد.»
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «الْخَلْوَةُ» (شیرین) صفت است و باید قبلش موصوف بیاید. صفت و موصوف هر دو یا باید معرفه باشند یا نکره. پس «أفكار الخلوّة» غلط است (الأفكار الخلوّة) / «حیاته» (زندگی‌اش) خوب نیست، ولی غلط هم نیست / «نیستی و نابودی» مناسب نیست، چون غرق شدن در آرزوها لزوماً منجر به نابودی نمی‌شود!

۳ «الأمال» مناسب است (الأمال الخلوّة = آرزوهای شیرین) / «شعیه» (تلاشش) مناسب است / «الموت» (مرگ) مناسب نیست به همان دلیلی که برای «نیستی و نابودی» ذکر شد!

۴ «مأکولات» (خوردنی‌ها) مانند «أفکار» در ۱ نکره و غلط است؛ البته به لحاظ معنایی نیز مناسب جمله نیست! / «عمله» (کارش) مناسب است / «المرض» (بیماری) مناسب نیست، به همان دلیلی که برای «نیستی و نابودی» ذکر شد!
۱۶۱۵- [گزینه ۴] سؤال خواسته بی‌بی را انتخاب کنیم که با مفهوم متن متناسب نیست. مفهوم متن «کار و تلاش برای رسیدن به اهداف» است.
بررسی گزینه‌ها:

۱ «برای انسان خیری در زندگی‌اش وجود ندارد، وقتی تلاش را راه و روش خود قرار ندهد!» دقیقاً مفهوم متن همین است!

۲ «خواب را ترک کن و آن را خلاصه و کوتاه کن، زیرا کسی که خواسته (خود) را می‌شناسد، آن‌چه را هزینه کرده، ناچیز می‌شمارد!» یعنی برای رسیدن به خواسته‌ها، باید دست از خواب کشید و راحتی را هزینه کرد! پس با متن هم‌مفهوم است. («حَصَلَ» فعل امر از مصدر «تَحْصِيل» است؛ «تَحْصِيل» هم معنای به دست آوردن می‌دهد و هم خلاصه کردن)

۳ «بر کسی که پیروزی را می‌خواهد، جامهٔ ابریشم و لباس طلا حرام است!» یعنی برای تحقق اهداف، باید لباس نرم و زیبا را ترک کرد و فقط لباس کار بر تن کرد! پس با متن هم‌مفهوم است.

۴ «طعم مرگ در راه امری ناچیز، همانند طعم مرگ در راه امری بزرگ است!» یعنی مرگ، مرگ است! پس چه بهتر که انسان در راه امور بزرگ جان دهد نه امور کوچک. این مفهوم از مفهوم متن دور است.

۱۶۱۶- [گزینه ۳] «يَذَلَّلَانِ» فعل مضارع - للغائبين (مثنای مذکر غایب) - مزید ثلاثی من باب «تَفْعِيل» (تذلیل) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعل و الجملة فعلية و خير.

بررسی گزینه‌های نادرست:

- ۱ من باب تَفْعِيل ← من باب تَفْعِيل
- ۲ مبني للمجهول ← مبني للمعلوم
- ۳ فعل ماضي ← فعل مضارع

متن سوّم

هیچ شکی نیست که بخشی از مواد غذایی، مسئول اصلی در دچار شدن انسان به بیماری‌های قلب است، اما ما باید حقیقت دیگری را (نیز) فراموش نکنیم و آن این که بعضی برانگیختگی‌ها و اثرپذیری‌هایی که آرامش انسان را خراب می‌کنند نیز سهمی در ابتلا به بیماری‌های قلبی دارند. در این زمینه، دانشمندان دریافته‌اند که برخی حیواناتی که چیزی از غذاهای زیان‌بار نمی‌خورند (نیز) به نوعی از بیماری‌های شریانی (بیماری‌های رگ‌ها) دچار

می‌شوند! از این‌رو پزشکان معتقدند از آن‌جا که دنیا خالی از مشکلات نیست، انسان باید از کیفیت زندگی‌اش مراقبت کند تا ناامیدی و افسردگی و ناراحتی بر او چیره نشوند، چرا که آن‌ها نیز گشنده هستند!

۱۶۱۷- [گزینه ۲] بررسی گزینه‌ها:

۱ «تنها دلیل مرگ، به مشکلات غذایی برمی‌گردد!» آشکارا غلط است؛ براساس متن، مشکلات روانی نیز گشنده هستند!

۲ «انسانی را نمی‌یابیم که در زندگی‌اش با مشکلی مواجه نشود!» کاملاً صحیح است؛ متن نیز می‌گوید دنیا خالی از مشکلات نیست.

۳ «می‌توانیم زندگی‌ای بسازیم که نه سختی‌ای در آن باشد و نه مصیبتی!» طبعاً غلط است.

۴ «حیوانات احساس ندارند، پس عواطف بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد!» غلط است؛ براساس متن، بعضی حیوانات هم گرچه غذاهای زیان‌بار نمی‌خورند، به مشکلات عروقی (شریانی) دچار می‌شوند. پس دلیل بیماری آن‌ها، اثرپذیری‌های عاطفی و روانی است!

۱۶۱۸- [گزینه ۴] بررسی گزینه‌ها:

۱ «حالت‌های روانی، بیشتر از عوامل دیگر، انسان را می‌گشند!» در متن میان عوامل مرگ انسان مقایسه‌ای نشده که بگوییم کدام‌یک «بیشتر» گشنده هستند. پس غلط است.

۲ «سختی‌ها جزئی از وجود انسان هستند، آن‌ها از بیرون نمی‌آیند!» طبعاً غلط است؛ براساس متن نیز این دنیاست که خالی از مشکلات و سختی‌ها نیست.

۳ «همه معتقدند که قلب و بیماری‌های آن، تنها دلیل هلاک شدن انسان و حیوان است!» طبعاً بیماری‌های دیگر هم گشنده هستند، متن نیز چنین مطلب نادرستی نگفته است!

۴ «راه صحیح، نزدیک‌نشدن به اموری است که روحیهٔ انسان و زندگی‌اش را خراب می‌کنند!» متن نهایتاً همین نتیجه را می‌گیرد و می‌گوید باید مراقب باشیم که حالت‌های روانی منفی، زندگی‌مان را خراب نکنند.

۱۶۱۹- [گزینه ۳] عبارت مذکور فقط با واژه‌های ۳ به درستی کامل می‌شود: «الجهلُ بأسباب الموتِ يَسْتَبِئُ أَنْ لَا نَهْتَمُّ بِأُمُورٍ نَقْتُلُ كُلَّ يَوْمٍ جماعاتاً!» «ناآگاهی از دلایل مرگ، سبب می‌شود به اموری اهمیت ندهیم که هر روز جماعتی را می‌کشد!»
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ برای آغاز این جمله، فعل مناسب نیست، چون بعدش فاعلی وجود ندارد؛ پس «يجهّل» (ناآگاه است) غلط است / «لا نَهْتَمُّ» (نیندیشیم) مناسب است / «في يوم» (در یک روز) نیز مناسب است.

۲ «الجاهل» (ناآگاه) مناسب نیست، چون طبعاً «انسان ناآگاه از دلایل مرگ» سبب نمی‌شود ما به قضایای مرگبار اهمیت ندهیم! بلکه «ناآگاهی از دلایل مرگ» سبب می‌شود / «لا نَعْتَرَفُ بِهِ» (به رسمیت شناسیم) به لحاظ معنایی مناسب نیست / «الأيام» (روزها) نیز به لحاظ معنایی مناسب نیست!
۴ «الجهالة» (ناآگاهی) مترادف «الجهل» و مناسب است / «لا نَعْرِفُ بِهِ» (شناسیم) مانند «لا نَعْتَرَفُ بِهِ» - «اليوم» (امروز) مانند «الأيام».

۱۶۲۰- [گزینه ۴] از متن چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ نتیجهٔ متن در پایانش آمده و آن این که انسان باید مراقب باشد حالت‌های روانی منفی بر زندگی‌اش چیره نشوند، چون گشنده هستند!
بررسی گزینه‌ها:

۱ «نیاید غذاهای زیان‌بار بخوریم!» متن اساساً دربارهٔ تأثیرات منفی روانی است، نه تأثیرات غذاهای بدا!

۲ «هر کس مشکلات از او دوری نکند، به مرگ نزدیک می‌شود!» مشکلات از هیچ کس دوری نمی‌کند! این انسان است که باید در میان مشکلات، مراقب سلامتی روانی خود باشد!

۳ «انسان باید به پذیرفتن مشکلات عادت کند!» منطقی نیست! انسان باید به مقاومت روانی در برابر مشکلات عادت کند.

۴ «نباید اجازه دهیم حالت‌های زیان‌بار بر ما چیره شوند!» دقیقاً همین موضوع نتیجه متن است.

۱۶۲۱- [گزینه ۱] «تَخَرَّبَ»: فعل مضارع - للغائبه - مزید ثلاثی من باب «تفعیل» (تخریب) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعل و الجملة فعلية بررسی گزینه‌های نادرست:

۲ فاعله ضمیر «أنت» المستتر ← فاعله ضمیر «هي» المستتر

۳ للمخاطب ← للغائبه / لازم ← متعدّد / فاعله «هَدُوهُ» ← «هَدُوهُ» مفعول است.

۴ من باب تَفَعَّل ← من باب تَفَعَّل / مبني للمجهول ← مبني للمعلوم

۱۶۲۲- [گزینه ۱] «المُضِرَّة»: اسم - مفرد مؤنث - معرفه بأل - مشتق و اسم فاعل / صفة (نعت) للموصوف (المنعوت) «الأطعمة» بررسی گزینه‌های نادرست:

۲ مضاف إليه ← صفة

۳ مفعول مطلق لبيان النوع ← صفة

۴ اسم مفعول ← اسم فاعل / مصدره ضرر ← مصدره إضرار / مضاف إليه ← صفة

۴ «المُضِرُّ» اسم فاعل از باب افعال است: «أَضَرَ، يُضِرُّ، إضرار»